

عمل به وعده‌ها

یک نقشه راه حقوق بشری
برای رئیس جمهوری ایران

دکتر حسن روحانی
دولت تدبیر و امید


عدالت اجتماعی

www.rouhani.ir

کمپین بین‌المللی
حقوق بشر در ایران

۱۳۹۲ © حق طبع و نشر توسط کمپین
بین المللی حقوق بشر در ایران محفوظ است.

کلیه حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این
کتاب نباید بدون اجازه قبلی از کمپین
بین المللی حقوق بشر در ایران باز نشر شود،
یا بدون ذکر منبع مورد استفاده شود.

عمل به وعده‌ها

یک نقشه راه حقوق بشری
برای رئیس جمهوری ایران

درباره ما

کمیته بین المللی حقوق بشر در ایران یک سازمان غیرسیاسی، مستقل و غیر انتفاعی حقوق بشری است که دفتر آن در نیویورک واقع شده است و فعالیت‌های آن در ایالات متحده، اروپا و آمریکای لاتین مشغول متمرکز است.

ماموریت کمیته ارتقاء حقوق بشر و تضمین فرهنگ احترام برای کرامت انسانی و حقوق همه مردم و پاسخگو نگهداشتن مسئولان ایرانی نسبت به تعهدات قانونی داخلی و بین المللی شان است.

کمیته موارد نقض حقوق بشر در ایران را از طریق منابع دست اول و اصلی درون کشور مستند می‌سازد و بیانیه‌ها، درخواست‌های کمک، گزارش‌های خبری، تولیدات چندرسانه‌ای و گزارشات تفصیلی خود را به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر می‌کند. کمیته با دولت‌های کشورهای مختلف و موسسات بین دولتی برای تاثیرگذاری در مسیر سیاست‌گذاری‌های مربوط به حوزه حقوق بشر در سطوح مختلف در ارتباط است و برای بهبود وضعیت از طریق اهرم‌ها و مکانیسم‌های موجود در عرصه بین المللی استفاده می‌کند و همچنین با گستره وسیعی از سازمان‌های جامعه مدنی در خصوص استراتژی‌هایی با تمرکز بر حمایت از جامعه مدنی و بهبود بخشیدن به حقوق بشر در ایران همکاری می‌کند.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	گزیده‌ای از سخنان دکتر حسن روحانی درباره حقوق بشر
۸	مقام ریاست جمهوری
۱۳	وزارت اطلاعات
۱۳	دستگیریهای خودسرانه، اتهامات نادرست، و آزار و اذیت فعالان مدنی-سیاسی
۱۳	آزار اعضاء خانواده منتقدان و معترضان
۱۴	شکنجه، بدرفتاری، و اعترافات اجباری
۱۴	تجاوز به حریم خصوصی افراد از طریق شنود
۱۴	سانسور روزنامه ها پیش از انتشار
۱۴	دخالت، ایجاد فضای ارعاب و تهدید در دانشگاهها
۱۵	آزارواذیت و محرومیت اقلیتهای مذهبی و قومی
۱۵	توصیه هایی برای وزارت اطلاعات
۱۶	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۶	کتاب
۱۶	سینما
۱۷	موسیقی
۱۷	مطبوعات
۱۹	توصیه هایی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۰	وزارت امور خارجه
۲۰	همکاری ضعیف با مکانیسم های مختلف سازمان ملل متحد
۲۱	فقدان همکاری با سازمانهای بین المللی حقوق بشری
۲۱	حمایت از حقوق ایرانیانی که تابعیت دوگانه دارند
۲۱	توصیه هایی برای وزارت امور خارجه
۲۲	وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات
۲۲	محدود کردن دسترسی به اینترنت، سانسور و فیلتر وبسایتها
۲۳	محدود کردن سرعت اینترنت
۲۳	هک اینترنتی توسط نهادهای وابسته به حکومت
۲۳	تحت نظر و مورد هدف قرار دادن شهروندان
۲۴	ارسال پارازیت روی برنامه های ماهواره ای
۲۴	توصیه هایی برای وزارت ارتباطات و فن آوری تکنولوژی
۲۶	وزارت علوم، تحقیقات، و فن آوری
۲۶	محروم کردن زنان از دسترسی به زمینه های آموزشی در دانشگاهها
۲۷	سانسور دانشگاهی و اخراج اعضاء هیئت علمی
۲۷	دانشجویان ستاره دار
۲۸	سازمانهای دانشجویی
۲۸	دانشجویان زندانی
۲۸	توصیه هایی برای وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
۲۹	وزارت کار، تعاون، و رفاه اجتماعی
۲۹	از بین بردن اتحادیه های کارگری، تعقیب قضایی اعضاء و رهبران اتحادیه ها به اتهامات امنیتی
۳۰	کودکان کار (سازمان بهزیستی کشور
۳۰	تعریف اشتغال
۳۰	توصیه هایی برای وزارت کار، تعاون، و رفاه اجتماعی
۳۱	وزارت کشور
۳۲	نیروی انتظامی ایران
۳۲	حق تجمعات مسالمت آمیز
۳۲	سازمانهای غیر دولتی (ان جی او)
۳۲	قتل کولبران در نقاط مرزی
۳۳	توصیه هایی برای وزارت کشور
۳۴	وزارت آموزش و پرورش
۳۴	تبعیض علیه آموزش زبان مادری
۳۴	توصیه هایی به وزارت آموزش و پرورش
۳۵	وزارت نفت
۳۵	وجود عوامل سرطان زا در سوخت تولید شده در ایران
۳۵	توصیه هایی به وزارت نفت

مقدمه

حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ وعده داد که از «حقوق ملت» که در قانون اساسی کشور برشمرده شده است، حمایت کند. میلیون‌ها نفر از رای دهندگان به او خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی، از جمله آزادی زندانیان سیاسی از زندان و حصر خانگی مخالفان سیاسی شدند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران از انتخاب آقای روحانی، تنها نامزد ریاست جمهوری که مسائل مربوط به حقوق بشر و حقوق مردم را مطرح کرد، استقبال می‌کند و از او درخواست می‌کند که به بانگ صداهایی که در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش شنیده شد توجه کند و از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد، استفاده کند تا وعده‌های مبارزات انتخاباتی و همچنین وظایف خود به عنوان رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و تعهدات بین المللی ایران را عملی کند.

در گزارشی که پیش رو دارید، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران به نقض مداوم حقوق بشر در ۹ وزارتخانه تحت کنترل مستقیم رئیس جمهور اشاره کرده و توصیه‌هایی ارائه می‌دهد که وی می‌تواند با اجرای آنها به این تخلفات و موارد نقض حقوق شهروندان پایان دهد. در عین حال موضوعاتی را مطرح کرده است که رئیس دولت می‌تواند در حوزه اختیارات و وظایفی که دارد، به صورت مستقیم به پیگیری آنها بپردازد.

این گزارش به هیچ وجه شامل همه حوزه‌های مربوط به نقض حقوق بشر نمی‌شود و تنها برشی از وضعیت موجود کنونی است و اگر چه نقض حقوق بشر در ایران منحصر به نهادهای دولتی نیست و نهادهایی که به نوعی در نقض حقوق بشر مشارکت دارند، همه در این گزارش نیامده‌اند یا اگر آمده اند همه مواردی که می‌توان درباره آنها گفت ممکن است طرح نشده باشد، با این حال کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، موارد محدود مطرح شده را به عنوان نقطه شروعی برای آقای دکتر حسن روحانی می‌داند تا بتواند گام‌های نخستینی را برای تحقق وعده‌های انتخاباتی‌اش و بازگرداندن حکومت قانون در ایران بردارد.

اگر چه قوه مجریه ایران محدودیت‌های حوزه‌ای دارد، ولی با این وجود وزارتخانه‌های تحت حوزه آن مسئول طیف گسترده‌ای از موارد نقض حقوق بشر هستند. بنابراین رئیس جمهور این قدرت را دارد که از این موارد نقض جلوگیری کرده و آنها را متوقف کند. آقای روحانی در مراسم تحلیفش متعهد به رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد، از این رو او باید فوراً تغییراتی را اجراء کند تا سیاست‌های مضر را اصلاح، عملکرد مقامات درون دولت را نظارت و از مکانیسم‌هایی که ضامن اجرای قانون و احترام به کرامت انسانی است حمایت کند.

طبق تحقیقات گسترده کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در پنج سال گذشته، چندین نهاد خارج از قوه مجریه - از جمله سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپاه)، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران (صدا و سیما)، و قوه قضاییه - به مامن ناقضان حقوق بشر تبدیل شده‌اند. به عنوان رئیس قوه مجریه، رئیس جمهور قدرت این را دارد که از این سازمان‌ها در خصوص عملکردشان در رابطه با شهروندان سوال کند و به آنها تذکر بدهد و آنان را در مورد این موارد نقض حقوق بشر پاسخگو نگهدارد. او همچنین در موقعیت منحصر به فردی است که از هر و همه موارد نقض حقوق بشری که توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متبوع وی در قوه مجریه انجام می‌شوند می‌تواند جلوگیری کند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران همچنین خواستار این است که آقای روحانی به سال‌ها خصومت نسبت به فعالان و سازمان‌های حقوق بشر پایان داده و به جای آن به تعامل با تشکلها و فعالان داخلی و بین المللی حقوق بشر برای حمایت از حقوق مردم ایران بپردازد.

سخنان روحانی در مورد حقوق بشر

حسن روحانی طی کمیین انتخاباتی خود چندین بار وعده داد تا به حقوق بشر احترام بگذارد و "حقوق ملت" را رعایت کند. در این بخش دستچینی از اظهارات وی در سخنرانی های انتخاباتی آمده است.

۲۲ فروردین ۱۳۹۲ (ویدیو)

همه مردم ایران باید احساس عدالت کنند. عدالت یعنی فرصت برابر. همه اقوام، همه مذاهب، حتی اقلیت‌های دینی، باید عدالت را احساس کنند.
زنده باد حقوق شهروندی.

۶ خرداد ۱۳۹۲ (ویدیو)

عدالت معنایش این است که در یک جامعه هر کس که می‌خواهد حرف بزند غیر متعصب [با کمال صراحت و قاطعیت]، لکنت نداشته باشد، قشنگ بیاید نقد کند، انتقاد کند، حرف خودش را بزند.

۱۴ خرداد ۱۳۹۲ (ویدیو)

در دولت آینده در همه عرصه‌های اجتماعی تبعیض میان مردان و زنان برداشته خواهد شد.
همه مردم ایران باید احساس عدالت کنند و عدالت یعنی فرصت برابر.

۱۸ خرداد ۱۳۹۲ (ویدیو)

اگر بار مسئولیت بر دوش من قرار گرفت، کرامت را به دانشگاه و دانشجو برخواهم گرداند.
من کاری خواهم کرد که با کمک پلیس زحمتکش کشور در سراسر خیابانهای امنیت واقعی مستقر شود. دختران ما در خیابانها احساس امنیت کنند. من نخواهم گذاشت ماموری بی نام و نشان از کسی سؤال کند. دختران جامعه ما خود حافظ حجاب و عفاف هستند.

من فصل سوم قانون اساسی را که حق مردم است تدوین خواهم کرد، به مجلس خواهم فرستاد و به صورت قانون تقدیم ملت خواهم کرد.

در حقوق شهروندی کرد و فارس و ترک و بلوچ و ترکمن و عرب برابرند.
کسانی که به خاطر اظهار نظر از دانشگاه کنار گذاشته شده اند باید برگردند.

۲۰ خرداد ۱۳۹۲ (ویدیو)

من اصل ۱۵ قانون اساسی را اجرایی خواهم کرد. این حق مردم است که بتوانند راجع به زبان مادری خود تصمیم بگیرند.

حقوق شهروندی را تدوین و اجرا خواهیم نمود. در حقوق شهروندی اقلیت و اکثریتی دیگر وجود ندارد. در حقوق شهروندی کرد و آذری زبان و ترکمن و بلوچ و لر و عرب و فارس یکسان خواهند بود.
 در دولت تدبیر و امید دیگر به خاطر یک نقد استادی اخراج نخواهد شد.
 در دولت تدبیر و امید ستاره ویژه آسمان ایران خواهد بود. دانشجوی ستاره‌دار خواهیم داشت.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

دولت آینده، دولت فرصت برابر زنان و مردان خواهد بود... امام خمینی (ره) بارها تکرار کردند که در صحنه انقلاب اسلامی نقش زنان کمتر از مردان نبوده است. این بیان امام خمینی است که بیان منزلت و مقام زنان از مردان کمتر نیست... اگر زنان نقش برابری در رشد اجتماعی و توسعه دارند، پس باید دارای حقوق و فرصت‌های برابری در کنار مردان باشند... با منطبق انقلاب اسلامی سازگار نیست که مطالبات زنان مورد توجه قرار نگیرد... در برنامه دولت تدبیر و امید، تقویت نهاد خانواده و افزایش رضایتمندی در زندگی خانواده، تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعدادها علمی، پژوهشی و سیاسی و اجتماعی زنان، جبران تفاوت فاحش بین نرخ بیکاری زنان و مردان، ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریت، برخورداری همه زنان از پوشش تامین خدمات اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد... زنان باید با سیاست‌های صحیح فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد حمایت واقع شوند... باید نسبت اشتغال زنان با نسبت اشتغال به تحصیل آنها برابری کند و در دولت آینده این نسبت نزدیک می‌شود... درباره این طرح (تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها) از مردم سوال نشد و کار کارشناسی صورت نگرفت. در قانون اساسی کشور هیچ اشاره‌ای به طرح تفکیک جنسیتی نشده است... دولت آینده میان زنان و مردان در کسب موقعیت‌های شغلی، تبعیضی قائل نمی‌شود، امنیت اخلاقی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و به زن ایرانی نگاه جنسیتی نخواهد داشت... دولت آینده به زنان سرپرست خانواده توجه می‌کند و معتقد است که بیمه برای این زنان ضروری است... زنانی که به دلیل طلاق از همسران خود جدا می‌شوند، باید سهمی از ثروت آن خانواده داشته باشند. در دولت آینده لوایح خاصی برای حمایت از زنان تدوین و به مجلس ارائه می‌شود... دولت آینده معتقد است که فقه اسلامی در شرایط امروز از سوی حوزه علمیه نیاز به بازنگری دارد و ما از حوزه‌های علمیه تقاضا می‌کنیم که به اصل زمان و مکان توجه بیشتری بکنند. ما نمی‌توانیم بگوییم که یک دختر ۹ ساله اگر جرمی مرتکب شد، باید مجازات شود، اما پسر ۱۴ ساله مجازات نشود... دولت تدبیر و امید در چارچوب فقه با توجه به زمان و مکان، لوایحی برای حمایت از زنان به مجلس ارائه می‌کند... عدالت به معنای فرصت برابر در فعالیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی است و دولت تدبیر و امید این برابری را بین مردان و زنان برقرار می‌کند.

مقام ریاست جمهوری، دکتر حسن روحانی

- حقوق شهروندی
- لایحه جرایم سیاسی
- بدرفتاری توسط دفاتر حراست
- تذکرات تخلف از قانون اساسی
- آزادی بیان
- حقوق زنان
- تبعیض در شیوه های استخدام دولتی
- تشویق شفافیت دولتی

در این گزارش کمیسیون بین المللی حقوق بشر در ایران موارد نقض حقوق بشر تحت نظر ۹ وزارتخانه دولت ایران که به طور مستقیم به رییس جمهور ایران گزارش میدهند را برجسته میکند. دولت جدید ایران، به رهبری رییس جمهور حسن روحانی، این اختیارات را دارد که این موارد نقض حقوق بشر را پیشگیری و متوقف کند و این گزارش شامل توصیه های عملی مشخص با هدف توقف موارد نقض می باشد. علاوه بر فعالیتهای وزارتخانه هایی که تحت کنترل قوه مجریه قرار دارند، رییس جمهور ایران همچنین دارای اختیارات و حوزه های خاص تحت کنترل مستقیم وی می باشد که به او توانایی قابل توجهی برای تاثیرگذاری در وضعیت حقوق بشر در ایران می دهد. برای مثال، رییس جمهور می تواند لوایحی را به مجلس پیشنهاد کند، یا دستورات اجرایی در خصوص روشهای دولتی صادر کند، و به عنوان مجری اصلی قانون اساسی ایران می تواند موسسه های دولتی را طبق قانون از طریق نظارت و تذکر در خصوص تخلفات قانون اساسی ایران در نهادهای دولتی پاسخگو کند.

در این بخش اقداماتی که رییس جمهور حسن روحانی می تواند در راستای تحقق بخشیدن به وعده های انتخاباتی خود برای رعایت حقوق مردم ایران به صورت مستقیم و فوری اجرا کند برجسته شده اند.

حقوق شهروندی

برنامه توسعه چهارم، که در سال ۱۳۸۳ به عنوان طرح جامع راهنمای کشور توسط دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید، شامل الزام قوه مجریه برای معرفی و تصویب قوانینی در مجلس که حقوق خاص شهروندان ایران را تشریح کنند می باشد. هدف این قانونگذاری این است که در قوانین داخلی حقوق مختلف برشمرده شده در قانون اساسی کشور را جمع آوری و تشریح کرده و تعهدات دولت ایران تحت میثاق های بین المللی حقوق بشر که ایران از طرفهای آن است را با آنها در هم بیامیزد.

اما، این وجه برنامه توسعه کشور هرگز اجرا نشده است. در سال ۱۳۸۴، محمد خاتمی رییس جمهور وقت چنین لوایحی که شامل "لایحه حقوق

شهروندی، “لایحه حقوق حریم شخصی” و “قانون آزادی مطبوعات و دسترسی به اطلاعات دولتی” را به مجلس ارائه کرد، اما مجلس هرگز در خصوص این لوایح بحث و رای گیری نکرد.

در حال حاضر حقوق ایرانیان تنها در قانون اساسی و به جامع ترین شکل و بدون هیچگونه شرح و یا تعریف از این حقوق تدوین شده است.

رئیس جمهور روحانی میتواند و میباید مجدداً این سه لایحه را به مجلس ایران معرفی کند و به صورت فعال پیگیر تصویب آنان باشد تا حقوق ایرانیان مطابق قانون اساسی و قوانین بین المللی حقوق بشر به صورت مشخص تدوین شده و از لحاظ قانونی لازم الاجرا شود. با توجه به اینکه در ایران نقض نظام مند و گسترده حقوقی که باید توسط قانون اساسی ایران مورد محافظت قرار بگیرد در جریان است، وی باید از تمام قدرت ریاست جمهوری خویش استفاده کند تا مطمئن شود که این قوانین در مجلس مورد بحث، رای گیری و تصویب قرار میگیرند و به این موضوع اولویت شایسته بدهد.

لایحه جرایم سیاسی

با توجه به اینکه رئیس جمهور ایران توانایی معرفی لوایح را دارد و ظرفیت استفاده از اختیارات مقام خود برای رهبری و تشویق در حوزه مسایل قانونگذاری را دارا می باشد، روحانی میتواند و می باید فعالانه برای تصویب لایحه جرایم سیاسی تلاش کند. این لایحه به وضوح آن فعالیتهای سیاسی که انجام آنها در ایران قانونی است و آنهایی را که قانونی نیستند تعیین میکند. مهم است که این تعیین سازی کاملاً طبق قوانین حقوق بشری بین المللی، از جمله آن دسته از قوانینی که تضمین کننده آزادی بیان، آزادی انجمن و آزادی مطبوعات هستند، باشد. این اقدام نه تنها از هنجارهای فعالیتهای سیاسی مورد قبول در سراسر جهان در داخل ایران محافظت میکند، همچنین از دستگیری و زندانی کردن خودسرانه شهروندان ایران توسط مقامات ایرانی به اتهامات مبهم “امنیت ملی” جلوگیری خواهد کرد.

لایحه جرایم سیاسی ابتدا توسط دولت اصلاح طلب محمد خاتمی به مجلس ارائه شد اما از آن زمان تا کنون هنوز مورد تصویب قرار نگرفته است. چند دهه بعد از انقلاب اسلامی، هنوز تعریفی از “جرم سیاسی” در جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد و همه ساله صدها نفر به دلیل کشتگری مسالمت آمیز اجتماعی و سیاسی خود به زندان میروند.

بعلاوه، اصل ۸۶۱ قانون اساسی ایران تصریح میکند که “رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد.” اما با عدم تعریف جرم سیاسی، افرادی که به دلیل فعالیتهای روزنامه نگاری خود و یا در ارتباط با فعالیتهای سیاسی خود تحت اتهامات نامشخص امنیت ملی دستگیر و زندانی میشوند به ندرت در دادگاه های علنی و یا با حضور هیئت منصفه محاکمه میشوند.

رئیس جمهور جدید باید لایحه جرم سیاسی را مجدداً معرفی کند، مطمئن شود که تعریف “جرم سیاسی” برپایه قانون اساسی ایران و مطابق با تعهدات بین المللی ایران در این زمینه صورت میگیرد و از تمام توانایی خود برای تصویب این قانون در مجلس ایران استفاده کند.

بدرفتاری توسط دفاتر حراست

دفاتر حراست در نهادهای حکومتی و دانشگاههای سراسر ایران حضور دارند و از نمایندگان وزارت اطلاعات که چنین نهادهایی را تحت نظر دارند تا از وفاداری افراد به جمهوری اسلامی ایران کسب اطمینان کنند و از نفوذ افراد غیر وفادار به رژیم به هر نهاد حکومتی جلوگیری کنند متشکل شده اند. این دفاتر در هر اداره دولتی، در شرکتهای دولتی در سراسر اقتصاد ایران، در رسانه های حکومتی و در دانشگاههای سراسر کشور حضور دارند، به تحت نظر گرفتن و شنود ارتباطات شخصی افراد می پردازند، به عنوان خبرنگار عمل میکنند و روشهای استخدام و اخراج را تحت تاثیر قرار میدهند. اعضاء دفاتر حراست افراد را مورد اذیت و آزار و ارعاب قرار میدهند و در نقض گسترده حقوق بشر دست دارند و مخصوصاً اصل ۳۲ قانون اساسی ایران که تصریح میکند “نفیث عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد” را مورد نقض قرار میدهد.

برای مثال، دفاتر حراست در دانشگاه‌های ایران نقش اصلی را در تعلیق و اخراج دانشجویانی که دست به فعالیت‌های سیاسی یا مذهبی که مورد تایید حراست نیست می‌زنند، و یا آنان که لباسشان و یا رفتارشان مورد قبول آنان نیست ایفا میکنند. دفاتر حراست صدها دانشجوی ایرانی را به واسطه فعالیت‌های قانونی سیاسی و بیان عقاید خویش از حقتشان به تحصیل محروم کرده‌اند.

رییس جمهور روحانی باید سیاستها و اقدامات دفاتر حراست را بررسی و ارزیابی کند و کسب اطمینان کند که اعضاء آن از نقض سیستماتیک حقوق بشر دست بردارند و چنانچه قوانین را نقض نمایند، از پاسخگویی حقوقی و کیفری مصون نمانند. به علاوه، رییس جمهور باید مکانیسم های موثر حقوقی و نظارتی ایجاد کند تا استخدام و یا اخراج دانشجویان، اساتید و یا کارمندان مبتنی بر باورهای شخصی افراد نشود. همچنین، طبق اصل ۱۲۷ قانون اساسی ایران، "رییس جمهور می تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیات وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید." لازم است به دلیل نقش خود به عنوان مجری اصلی قانون اساسی ایران، رییس جمهور روحانی چندین نماینده را به بررسی فعالیت‌های واحدهای حراست بگمارد تا گزارش خود در خصوص استفاده و یا سوء استفاده از قدرت و هر نوع مورد نقضی که مشاهده میکنند را به رییس جمهور ارائه کنند و توصیه های لازم با هدف مهار کردن بدرفتاریهای واحدهای حراست را ارائه کنند و اجرای این توصیه ها را پیگیری نمایند.

تذکرات تخلف از قانون اساسی

مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی ایران، پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی را به عهده دارد. بنابراین، به عنوان مجری اصلی قانون اساسی، رییس جمهور روحانی نه تنها حق دارد تا از حقوق تعریف شده در قانون اساسی دفاع کند و به هر یک از قوا، موسسات و نهادهای دولتی که روشهایشان ناقض قانون اساسی باشند تذکر دهد، بلکه نسبت به این مهم مسوولیت دارد. این تذکرات قانون اساسی (تذکرات رسمی رییس جمهور نسبت به نقض قانون اساسی) مکانیسم حیاتی بررسی موارد نقض قانون اساسی، جلب توجه عمومی و دعوت نهادهای ناقض به توقف تخلفاتشان می باشد.

برای مثال، [سازمان صدا و سیما](#) جمهوری اسلامی ایران دایما دادگاههای نمایشی و اعترافات اجباری اخذ شده تحت شکنجه زندانیان را پخش میکند و فیلمهای مستندی را تهیه کرده است که شهروندان ایرانی را مورد آبروریزی و افترا قرار داده و تعقیب قضایی غیر قانونی افراد را بدون اینکه به آنان موقعیت دفاع از خود را بدهد تسهیل کرده است. کاملا روشن است که رییس جمهور باید به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای نقض حقوق شهروندان ایرانی مصرح در اصل ۳۷ قانون اساسی ("اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد") و اصل ۳۸ ("هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است.") یک تذکر قانون اساسی بدهد و صدا و سیما نیز باید به این شیوه کار خاتمه دهد.

ادامه حصر خانگی رهبران مخالفان میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد که هرگز در دادگاه تفهیم اتهام نشدند نیز در نقض آشکار قانون اساسی ایران است. اصل ۳۴ اعلام میدارد که دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید و اصل ۳۷ اعلام میدارد که اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. رییس جمهور روحانی باید یک تذکر قانون اساسی در خصوص غیر قانونی بودن دستگیری این افراد بدهد و خواستار آزادی آنان شود و از تمام قدرت مقام خود استفاده کند تا به چنین روشهایی خاتمه دهد.

رییس جمهور میتواند و باید در خصوص ادعاهای بدرفتاری تحقیق کند و به هر سازمان حکومتی که ناقض حقوق مصرح ایرانیان در قانون اساسی ایران است تذکرات قانون اساسی بدهد. همچنین، او باید خواستار این شود که این سازمانها نسبت به ادعاهایی که علیه آنان میشود پاسخگو باشند و به موارد نقض حقوق مصرح ایرانیان در قانون اساسی ایران خاتمه دهند و مردم را از نتایج چنین تحقیقاتی آگاه کند و به این وسیله مسوولیت خویش برای دفاع از قانون اساسی را اجرا کند.

آزادی بیان

مقامات ایران تعداد زیادی از روزنامه نگاران و نشریات را، به خصوص در سالهای اخیر، به دلیل انتقاد از سازمانهای دولتی با شکایات، دستگیری، بازداشت، تعطیلی و محرومیت از نشر روبرو کرده اند. این کار در نقض مستقیم قانون اساسی ایران است که در اصل ۴۲ اعلام می کند: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند."

رئیس جمهور ایران میتواند از اختیارات خود استفاده کند و از کلیه وزارتخانه های تحت نظر قوه مجریه بخواهد تا علیه روزنامه ها به دلیل انتقاداتشان شکایت نکنند و از قدرت خود استفاده نماید تا از آنها بخواهد به جای آزار منتقدان به انتقادات پاسخ دهند.

حقوق زنان

بر اساس اصل ۲۰ قانون اساسی ایران، "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." اما در عمل و در قوانین ایران، زنان با تبعیض شدیدی در زمینه هایی مانند آموزش، استخدام، مزایای دولتی، قوانین خانواده، و محاکمات در دادگاه روبرو هستند.

رئیس جمهور روحانی باید وعده های زمان انتخابات خود را انجام دهد و از حقوق زنان حمایت کند و لویحی به مجلس ارائه کند که تبعیض علیه زنان در ایران را مستقیماً مورد رسیدگی قرار دهند.

برای مثال، او میتواند محدودیت های ثبت نام دانشجویان زن در رشته های دانشگاهی که ظرف سالهای گذشته توسط وزارت علوم به اجرا گذاشته شده را حذف کند و به وزارت علوم دستور اجرایی دهد تا به سیاستهای جداسازی که منجر به تبعیض علیه دانشجویان زن در دانشگاههای ایران میشود خاتمه دهد. رئیس جمهور همچنین باید لویحی ارائه کند که به تبعیض در قوانین طلاق خاتمه دهند و کلیه نکات تبعیض آمیز قانون خانواده در ایران را مورد رسیدگی قرار دهند.

او باید لویحی را ارائه کند که بر اساس قوانین زنان و مردان برابر باشند. همچنین ارائه بیمه همگانی و خدمات دولتی به زنان بیکار سرپرست خانواده نیز یک نیاز مهم زنان در ایران است.

به علاوه، کمبود مشارکت زنان در مناصب عالیترتبه مشاغل دولتی (شامل کابینه خود رئیس جمهور که حتی یک زن وزیر در آن مشاهده نمیشود) مسئله ای است که باید مورد بررسی قرار گیرد. رئیس جمهور روحانی باید به صورت فعال مشارکت زنان در مقامات بالای دولتی را تشویق کند که در اثر آن بدنبال سیاستهای ضد تبعیض خواهند رفت.

تبعیض در شیوه های استخدام دولتی

دولت یکی از بزرگترین کارفرمایان ایران است و به همین دلیل شیوه های استخدامی دولتی تاثیر بسزایی در کشور دارند. در حال حاضر تبعیض شدید مذهبی و قومی در شیوه های استخدامی دولت در ایران وجود دارد. تبعیض مذهبی اکثراً متوجه بهاییان و نوکیشان مسیحی است: بهاییان ایران کلاً از اشتغال دولتی محرومند و نوکیشان مسیحی باید باورهای دینی خود را پنهان کنند و در غیر اینصورت از شغل های دولتی اخراج خواهند شد. همچنین اعضاء اقوام کرد، عرب و بلوچ با تبعیض قابل توجهی در شیوه های استخدام های دولتی روبرو هستند. دفاتر دولتی استانی و محلی به ندرت شهروندان بومی استان ها را برای شغل های مدیریتی و مشاغل سطح بالا استخدام می کنند. بنابراین این گروهها از یک منبع مهم اشتغال و همچنین تواناییهای تصمیم گیری در سطوح دولت محلی نیز باز می مانند.

رئیس جمهور ایران میتواند اقدامات مستقیمی برای رسیدگی به این تبعیض انجام دهد، یک دستور اجرایی صادر کند که تبعیض علیه اقلیتهای

مذهبی و قومی را در استخدامهای دولتی ممنوع کند. علاوه بر این، او به صراحت می‌تواند برای استخدام دولتی مقتضیات ضد تبعیض تعیین کند. همچنین رییس جمهور ایران استانداران را منصوب میکند و میتواند از آنها بخواهد تا مخصوصاً در استانهای کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان به استخدام افرادی از اقوام بومی در شغل‌های مدیریتی اهتمام ورزند.

تشویق دولت به شفافیت

در حال حاضر در دولت ایران عدم شفافیت خیره‌کننده و کمبود آمار به موقع و مفید دولتی به چشم می‌خورد. این کمبود اطلاعات منجر به عدم پاسخگویی و انفعال دولت میشود. اطلاعاتی که یا صحیح نیست و یا موجود نیست در زمینه‌هایی مانند اقتصاد کشور، فساد اقتصادی، و استفاده از مواد مخدر و سایر مسایل بهداشت عمومی، از توانایی دولت برای رسیدگی به ناهنجاریهای اجتماعی و اقتصادی کشور جلوگیری میکند.

رییس جمهور میتواند و باید سیاست‌هایی وضع کند تا به شهروندان، روزنامه‌نگاران، و اساتید دانشگاه دسترسی کامل به اطلاعات، مدارک و انتشارات غیر سری بدهد. او میتواند بخشنامه‌هایی صادر کند تا از سازمانهای دولتی و واحدها بخواهد که اطلاعات منظم، صحیح و به موقع در خصوص فعالیتهای دولت و در مورد شرایط کشور به مردم بدهند. او باید همچنین بخواهد که دسترسی عمومی به رونوشت مباحث جلسات عمومی کلیه مراکز تصمیم‌گیری در دولت او میسر شود.

وزارت اطلاعات

- دستگیری های خودسرانه، تهمت های نادرست، و آزار اذیت فعالان
- شکنجه، بدرفتاری، و اعترافات اجباری
- آزار اعضاء خانواده منتقدان و معترضان
- تجاوز به فضای خصوصی افراد از طریق شنود
- سانسور روزنامه ها پیش از انتشار
- دخالت در دانشگاهها
- آزار و اذیت اقلیتهای مذهبی و قومی

دستگیری های خودسرانه، تهمت های نادرست و آزار و اذیت فعالان

وزارت اطلاعات مستقیماً در اعمال محدودیتهای غیر قانونی و خودسرانه در فعالیتهای احزاب سیاسی و سازمانهای غیر دولتی مستقل دخیل است. سالانه صدها پرونده دستگیری خودسرانه اعضاء سازمانها، اتهامات نادرست و زنجیره ای از دخالت های غیر قانونی در قوه قضاییه در راستای خاتمه دادن به فعالیتهای سازمانهای مستقل وجود دارد.

وزارت اطلاعات به صورت مستمر در دستگیری های خودسرانه روزنامه نگاران و فعالان مدنی و سیاسی، خاموش کردن منتقدان و رسانه ها و انجمن های مستقل نقش دارد. این وزارتخانه مرتباً افراد را به دفاتر خود احضار می کند و آنها را بدون هیچ توجیه قانونی تهدید میکند. این حملات فراگیر به معترضان و متخصصین رسانه باعث ایجاد جوی از سانسور و سرکوب شده و تاثیر دهشتناکی بر برخورداری شهروندان از آزادی بیان و انجمنی داشته است.

به علاوه، وزارت اطلاعات سابقه گسترده ای در تشکیل پرونده های دروغین علیه فعالان، روزنامه نگاران، هنرمندان و دانشگاهیان داشته است. این اتهامات دروغین در کار و زندگی روزمره این افراد ایجاد اختلال جدی می کند، اعتبار آنان را از بین می برد، و غالباً به دستگیری آنان منتهی می شود. در حالیکه بسیاری از افرادی که مورد اتهام قرار گرفته اند نهایتاً وقتی پرونده شان در دادگاه مطرح می شود از این اتهامات تبرئه می شوند، غالباً قبل از اینکه پرونده شان مورد بررسی قرار بگیرد سالها در زندان به سر می برند.

آزار اعضاء خانواده منتقدان و معترضان

وزارت اطلاعات همچنین [اعضای خانواده منتقدین و معترضین](#) را آزار، بازجویی، و دستگیر می کند. برای مثال طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، [اعضای خانواده های روزنامه نگاران](#) که برای آژانس های خبری خارج از ایران، مانند بی بی سی فارسی و رادیو فردا کار می کنند، مورد آزار و اذیت و دستگیری قرار گرفتند. همچنین موارد دیگری از تحت فشار قراردادن، آزار و اذیت و ایجاد محدودیت برای خانواده برخی از کارکنان صدای آمریکا به کمپین گزارش شده است.

شکنجه، بدرفتاری، و اعترافات اجباری

وزارت اطلاعات بازداشتگاه‌های متعددی در سراسر ایران دارد. صدها مورد نقض حقوق بشر در این بازداشتگاه‌ها، شامل بدرفتاری با بازداشت شدگان، شکنجه جسمی و روحی، و عدم دسترسی افراد به وکیل و یا خانواده، که همگی موارد نقض قوانین ایران و قوانین بین‌المللی می‌باشند، در رابطه با این بازداشتگاه‌ها مستند شده است. بسیاری از دستگیر شدگان وادار شده‌اند تا تحت شکنجه اعترافات دروغین کنند. بر اساس گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در ایران که در اسفند ۱۳۹۱ [منتشر شد](#)، ۷۸ درصد شهودی که او با آنها مصاحبه کرده تصریح کرده‌اند که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.

در مورد زندانیان سیاسی، این وزارت اطلاعات است که دستگیری‌ها را انجام می‌دهد، زندانیان را در زندان‌های ویژه خود بدون نظارت از سوی قوه قضاییه بازداشت می‌کند، و تحقیقات اولیه را پیش از تحویل آنان به قوه قضاییه انجام می‌دهد. یک روال منظم شکنجه زندانیان سیاسی، مخصوصاً در روزهای اولیه بازداشت آنان، اغلب در سلول‌های انفرادی و در زمان بازجویی، با هدف اخذ اعترافات دروغین وجود دارد. بسیاری از زندانیان، مانند [وکیل حقوق بشر نسرين ستوده](#)، گزارش داده‌اند که بازجویان وزارت اطلاعات آنان را از میزان محکومیت خود پیش از محاکمات مطلع کرده‌اند و این امر نگرانی در خصوص استقلال قضات پرونده‌های زندانیان سیاسی را افزایش داده است.

علاوه بر بازداشتگاه‌ها، وزارت اطلاعات همچنین برخی بندهای زندانها را بدون نظارت قوه قضاییه ایران اداره میکند که در این بازداشتگاه‌ها یک الگوی مستند شده بدرفتاری وجود دارد. برای مثال، [هفت درویش زندانی](#) که در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شوند به مدت چندین ماه از دسترسی به نور محروم بوده‌اند و متعاقباً دچار بیماری‌هایی شده‌اند.

همچنین، وزارت اطلاعات به صورت سیستماتیک فرآیند عادی دادرسی قضایی را نقض می‌کند. بازداشت شدگان مرتباً از دسترسی به وکیل منع میشوند و در بسیاری از موارد بدون تفهیم اتهام در زندان می‌مانند.

تجاوز به حریم خصوصی از طریق شنود

وزارت اطلاعات به طور فعال به حریم خصوصی شهروندان ایرانی از طریق شنود تلفن‌هایشان، خواندن پیامک‌هایشان، و تحت نظر گرفتن استفاده آنها از اینترنت تجاوز می‌کند. این تجسس‌ها در بسیاری از موارد بدون آنکه مجوز قضایی داشته باشد صورت می‌گیرد. این مکانیسم‌های نظارتی اغلب برای بازداشت فعالان و همچنین منع آنان از داشتن حق آزادی بیان و تجمع در حوزه خصوصی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

سانسور روزنامه‌ها قبل از انتشار

بدون داشتن هیچگونه اختیار قانونی برای سانسور یا مرور مطالب روزنامه‌ها، وزارت اطلاعات دائماً سردبیران، روزنامه‌نگاران، ناشران، و دیگر متخصصان رسانه‌ای را به دستگیری یا توقیف نشریات‌شان تهدید می‌کند تا مطالب را قبل از انتشار خبر سانسور کند. مأمورین وزارت اطلاعات همچنین در موارد متعددی در تماس با مسوولین نشریات مستقل آنها را از انتشار برخی موضوعات خبری منع کرده‌اند و آنها را تهدید کرده‌اند که در صورت سرپیچی، دستگیر و یا نشریه تعطیل خواهد شد.

دخالت در دانشگاه‌ها

در تخطف مستقیم از قانون اساسی ایران، وزارت اطلاعات ایران صدها جوان ایرانی را از [پیگیری تحصیلات عالی](#) خود به دلیل فعالیت‌های سیاسی یا عقاید مذهبی‌شان محروم کرده است. این وزارتخانه در امور پذیرش دانشجویان دخالت می‌کند، دانشجویان را "ستاره دار" می‌کند (یعنی کارنامه‌هایشان را علامت گذاری می‌کند تا از ثبت نام آنان در دانشگاه‌های ایران جلوگیری کند) و در کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌های مختلف، برای محرومیت دانشجویان به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز دانشجویی در دانشگاه مشارکت فعال دارد.

اذیت و آزار اقلیتهای مذهبی و قومی

ظرف هشت سال گذشته، وزارت اطلاعات آزار اقلیت های مذهبی، شامل مسیحیان پروتستان، درویش و جامعه بهاییان را به صورت فزاینده‌ای در دستور کار خود داشته است. اماکن عبادت این گروهها مرتبا تعطیل شده و رهبران جوامع مذهبی غالبا تحت نظر و مورد اذیت قرار گرفته و بازداشت شده اند. برای مثال، در خرداد ماه ۱۳۹۲، قدیمی‌ترین کلیسای پروتستان فارسی زبان ایران، "جماعت ربانی مرکز" به علت فشار از سوی نیروهای اطلاعاتی بسته شد.

وزارت اطلاعات همچنین در آزار و اذیت طولانی اقلیتهای قومی ایران، از جمله کردها، بلوچها، عربها و آذری ها دخیل بوده است. مانند اقلیتهای مذهبی، رهبران این جوامع نیز غالبا تحت نظر گرفته شده، آزار و بازداشت شده اند و برای این اقلیت ها استفاده از زبان مادری شان محدود شده، و تقاضاهای آنان برای دریافت مجوزهای ثبت نام در دانشگاه و پروانه های فعالیتهای تجاری در موارد بسیاری رد شده است. برای مثال، برای بیش از سه دهه، دولت ایران مردم کرد را برای اجرای جشنها و مراسم قومی خودشان، از طریق نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات دستگیر کرده و مورد آزار قرار داده است.

توصیه‌هایی برای وزارت اطلاعات

- برچیدن یا نظام‌مند کردن و همچنین نظارت حضور وزارت اطلاعات در دانشگاهها و پایان دادن به ارباب و خاموش کردن فعالان دانشجویی، اقلیت‌های مذهبی، و دانشجویانی که اعتقادات سیاسی مستقل دارند و به فعالیتهای مسالمت آمیز مدنی- سیاسی می‌پردازد.
- وزارت اطلاعات را به دلیل دخالت‌هایش در امور قوه قضاییه پاسخگو کنید و به مصونیت از مجازات و پاسخگویی مامورین اطلاعاتی پایان دهید.
- جلوگیری از شکنجه و آزار جسمی و روانی افرادی که بازداشت یا تهدید به بازداشت می‌شوند، و مسئول دانستن کسانی که شکنجه را به کار می‌گیرند.
- تهیه و پخش تلویزیونی اعترافات اجباری را متوقف کنید.
- استفاده بی‌رویه از اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و سایر اتهامات امنیتی علیه فعالان، هنرمندان، دانشجویان، و اقلیتهای مذهبی و قومی را متوقف کنید.
- به لایحه حقوق شهروندی سال ۱۳۸۳ احترام بگذارید و آن را به اجرا بگذارید.
- به دخالت غیر قانونی وزارت اطلاعات در گروهها و احزاب سیاسی پایان دهید.
- کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی رحمانه، غیرانسانی یا اهانت‌آمیز (کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه را امضاء و تصویب کنید.
- به آزار و اذیت سیستماتیک اقلیت‌های مذهبی پایان دهید.
- به حقوق اقلیت های قومی برای دنبال کردن سنت های خود که در مواد ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران نیز محافظت شده اند احترام بگذارید. به آزار و اذیت اقلیتهای قومی خاتمه دهید.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- کتاب
- سینما
- موسیقی
- مطبوعات

کتاب

فرآیندی طولانی برای بررسی درخواستهای مجوز برای نشر کتاب و رد درخواستهای مجوز ناشران مستقل توسط وزارت ارشاد باعث شده است که بسیاری از موسسات نشر طی سالهای گذشته تعطیل شوند.

در سال ۱۳۸۶، معاونت پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی [مرکز مطالعات استراتژیک](#)، تحت مدیریت حسن روحانی، از سیاستهای فرهنگی محمود احمدی نژاد انتقاد کرد و ابراز داشت که این سیاستها به توسعه صنعت نشر در ایران اجازه رشد نمی‌دهند. سیاستهای دولت باعث نابودی ناشران مستقل ایران شده است و بسیاری از آنها یا رسماً تعطیل شده‌اند و یا تحت فشار مالی شدید وادار به توقف فعالیتهای خود شده‌اند.

سینما

در حال حاضر وزارت ارشاد فرآیند دشواری را برای بررسی و تایید کلیه سناریوهای فیلم طی می‌کند. در [تیرماه ۱۳۹۲](#)، وزیر ارشاد در یک جلسه علنی مجلس گفت که وزارت ارشاد نیمی از فیلم‌نامه‌هایی را که دریافت می‌کند تایید نمی‌کند. برای آن فیلم‌نامه‌هایی که مورد تایید قرار می‌گیرند، وزارت ارشاد سانسور شدید اعمال می‌کند و غالباً پیش از اکران فیلم می‌خواهد که بخش‌هایی از فیلم که حتی در فیلم‌نامه تصویب شده است، برداشته شوند. محدودیت‌های این وزارتخانه شامل رعایت حجاب اسلامی و برداشتن خطوطی از سناریو که ممکن است به نظر سیاسی و یا منتقد دولت بیایند و همچنین موارد سلیقه‌ای است که برای فیلمسازان مشخص نیست.

مقامات ایرانی همچنین برای فیلمسازان و هنرپیشگان ایرانی موانعی برای حضور در جشنواره‌های فیلم بین‌المللی ایجاد کرده‌اند.^۱

۱ برای مثال، در اسفند ۱۳۹۱، کارگردان و فیلمساز ایرانی کامبوزیا پرتوی و هنرپیشه سینما مریم مقدم در جشنواره فیلم برلین شرکت کردند و فیلم پرتوی برنده جایزه خرس نقره‌ای شد. وقتی این دو به ایران بازگشتند، پاسپورت‌های آنان ضبط شد و از خروج از کشور منع شدند چون معاونت سینمایی وزارت ارشاد، جواد شمقدری، گفت که

به علاوه، دولت سابق روالی را برای آزار و ارباب فیلمسازان آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد. فیلمسازان سرشناس ایرانی به همکاری با رسانه های بین المللی و یا شبکه های ماهواره ای متهم شده اند که در ایران یک جرم محسوب میشود و به همین دلیل دستگیر و از ساختن فیلم منع شده اند.^۲

در دیماه ۱۳۹۰، وزارت ارشاد دستور به [انحلال خانه سینما](#)، بزرگترین انجمن صنفی صنعت فیلم ایران داد و اعلام کرد که فعالیتهای این سازمان "فاقد مشروعیت قانونی" است. در تیرماه ۱۳۹۲، پس از یک کشمکش طولانی حقوقی بین سازمان سینمایی وزارت ارشاد و اعضای خانه سینما، معاونت سینما در وزارت ارشاد دستور به تاسیس یک سازمان جدید مورد حمایت دولت که نام آن خانه صنوف سینمای ایران گذاشته شد داد. اعضای تشکل اصلی خانه سینما گفته اند که آنها تشکل جدید "خانه سینما ۲" را به رسمیت نمی شناسند و تشکिल آن را غیرقانونی می دانند.

موسیقی

در سالهای اخیر، بسیاری از موسیقیدانان ایرانی وادار به ترک ایران شده اند تا بتوانند آزادانه به فعالیت حرفه ای خود ادامه دهند. وزارت ارشاد مسئولیت بررسی و تصویب کلیه اشعار و موسیقی و همچنین صدور مجوز اجرا را دارد. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹، حمید شاه آبادی، [معاونت موسیقی وزارت ارشاد](#) گفت که تنها ۲۰ درصد موسیقی مورد بررسی در وزارت ارشاد مجوز می گیرد.

این شرایط باعث می شود که عده بسیار زیادی از موزیسین ها به صورت زیرزمینی فعالیت کنند. اگر مقامات موسیقیدانان را در حال اجرای موسیقی غیرمجاز دستگیر کنند، آنها با زندان روبرو می شوند. به علاوه موسیقیدانان نمی توانند تولیدات خود را از طریق کانال های قانونی بدون مجوز منتشر کنند یا به فروش برسانند. در سالهای اخیر، مقامات به چندین استودیوی زیرزمینی حمله کرده و هنرمندان را دستگیر کرده و موسیقی و تجهیزات آنان را ضبط کرده اند.^۳

همچنین، زنان موسیقیدان با محدودیتهای جنسیتی روبرو هستند که از استان به استان فرق میکند. برای مثال در اصفهان، زنان هنرمند فقط میتوانند برای زنان برنامه اجرا کنند و زنانی که درس موسیقی میگیرند اگر معلم موسیقی آنها یک مرد باشد، نمیتواند در اجراهای آنها حضور داشته باشد. [در سایر استانها](#)، خوانندگان زن میتوانند با صدای مردان همخوانی کنند اما صدای آنها نمیتواند صدای اصلی ترانه باشد.

مطبوعات

روزنامه نگاری تحت حوزه نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار داشته و به همین دلیل این وزارتخانه وظیفه رعایت قانون اساسی ایران و محافظت از آزادی مطبوعات را به عهده دارد. اما معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد خود به کانونی برای نقض آزادهای مطبوعاتی تبدیل شده است. در کنار آن ظرف چند سال گذشته سرکوب شدید و فزاینده روزنامه نگاران و رسانه ها، عمدتاً به دست وزارت اطلاعات و قوه قضاییه در جریان بوده است. روزنامه نگاران مرتباً احضار، آزار، دستگیر و به احکام طولانی مدت زندان به اتهاماتی که مربوط به نوشته هایشان بوده محکوم شده اند. برای دور زدن محافظت های قانون اساسی، روزنامه نگاران غالباً با اتهامات مربوط به امنیت ملی روبرو می شوند. روزنامه نگاران ایرانی همچنین در زمان درخواست مجوز تاسیس نشریه با بررسی های تنگ نظران و اغلب با ماهیت سیاسی روبرو میشوند. دسترسی به مناسبت های دولتی و کنفرانس های خبری نیز طی سالهای گذشته برای بسیاری از خبرنگاران روزنامه های مستقل بسیار محدود شده است.

سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی ایران معمولاً به رسانه ها و روزنامه ها فشار می آورند تا مسایل خاصی، مانند تأثیرات تحریمها، وضعیت اقتصادی،

این جایزه ماهیت سیاسی داشته است.

۲ اخیراً شش فیلمساز مستقل ایرانی، محسن شهرنازدار، هادی آفریده، کتایون شهبابی، ناصر صفاریان، شهنام بازدار، و مجتبی میرطهماسب که در شهریور ماه ۱۳۹۰ دستگیر شده بودند همگی از کلیه اتهامات وارده تبرئه شدند و تبرئه آنان به این شبهه دامن زد که دستگیری اولیه آنان با انگیزه سیاسی انجام شده بود.

۳ برای مثال، در خرداد ماه ۱۳۹۱، پلیس ایران یک نفر را که ادعا میشد یک استودیوی موسیقی زیر زمینی را اداره میکرد در خراسان شمالی دستگیر کرد و کلیه تجهیزات وی را مصادره کرد. در آبان ۱۳۹۱، اعضای یک گروه که به نام سه-بند شناخته میشد به همین صورت دستگیر شدند.

و یا انتقاد از برنامه‌اتمی ایران را پوشش ندهند. به علاوه، قوه قضاییه ایران و دادستانی غالباً روزنامه‌ها را پیش از انتشار سانسور میکنند و بعضی وقتها این سانسور منجر به چاپ روزنامه‌ها با صفحات سفید شده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ اقدامی برای جلوگیری از این دخالت‌های غیر قانونی نمی‌کند.^۴

در شهریور ماه ۱۳۸۹، نمایندگان اصلاح طلب مجلس به معاون وزیر فرهنگ به دلیل ارسال دستورات مکرر به روزنامه‌های اصلاح طلب و محدود نمودن موضوعاتی که آنها مجاز به پوشش آن بودند اعتراض کردند. پس از اینکه روزنامه اصلاح طلب اعتماد ملی در سال ۱۳۸۸ تعطیل شد، قدرت‌الله علیخانی، نماینده اصلاح طلب مجلس شورای اسلامی گفت که در هیچ دوره‌ای مانند دوره وزارت آقای حسینی، تا این حد به رسانه‌ها لطمه وارد نشده است.

معاونت رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین قدرت خود را بروی یارانه‌های کاغذ که تعداد بسیار زیادی از روزنامه‌های ایران به آن وابسته هستند اعمال می‌کند تا بتواند به صورت گزینشی نشریات را به دلایل سیاسی تضعیف کند. روزنامه‌های مستقل در این زمینه مورد هدف قرار گرفته‌اند و در اثر از دست دادن یارانه کاغذ، چندین نشریه متعاقباً به دلیل مشکلات مالی بسته شده‌اند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران که فراگیرترین اتحادیه صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران بود، بین سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۸۷ فعال بود. در خرداد ماه ۱۳۸۷، وزارت کار طی نامه‌ای این انجمن را منحل کرد و دفاتر اداری انجمن نیز به دستور دادستان وقت تهران، سعید مرتضوی، چند ماه بعد پلمپ شدند.

^۴ برای مثال در تاریخ ۲۱ تیرماه امسال، وقتی خبرگزاری مهر خبر صدور احکام کهریزک را منتشر کرد، مقامات مدیر مسئول خبرگزاری مهر را چندین ساعت داخل دادسرا بازداشت کردند. در زمان اعتراضات پس از انتخابات در سال ۱۳۸۸، حداقل سه تن از بازداشت شدگان زیر شکنجه در بازداشتگاه کهریزک جان خود را از دست دادند. محسن افتخاری، رییس دادگاه کیفری، شب قبل گفته بود که «جزئیات حکم دادگاه کهریزک قابل انتشار نیست و رسانه‌ای که آن را منتشر کرده باید از نظر قانونی پاسخگو باشد.» همچنین وبسایت بهارنیوز نیز نوشت برخی مسئولان روزنامه‌های ایران گفته‌اند، دادستانی تهران شب گذشته به تمام مدیران چاپخانه‌های روزنامه‌ها دستور داد از چاپ روزنامه‌هایی که خبر رأی دادگاه پرونده کهریزک را منتشر کرده‌اند خودداری نمایند. طبق این گزارش، روزنامه‌هایی که تا زمانی که این دستور صادر شد چاپ شده بودند، از بین برده شدند و با تغییر در آرایش صفحاتشان چاپ شدند. همچنین، روزنامه‌های بهار، قانون، و چندین روزنامه دیگر نیز وادار شدند تا خبر مربوط به احکام دادگاه کهریزک را در نیمه‌های شب از روی صفحات روزنامه بردارند. روزنامه سیاست روز آن روز اصلاً منتشر نشد.

توصیه‌هایی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- حفاظت از آزادی مطبوعات: کلیه تقاضاهای صدور مجوز انتشار را بدون تعصب سیاسی بررسی کنید و به سانسور مطبوعات پایان دهید.
- از آزادی روزنامه‌نگاران در برابر دخالت‌های امنیتی، اطلاعاتی و قضائی محافظت کنید.
- مجوزهای لغو شده ناشران موردبررسی مجدد قرار دهید و اجازه انتشار کتاب را به نویسندگان بازگردانید و محدودیت در صدور مجوز کتاب را حذف کنید.
- به سانسور و دخالت در صنعت فیلم پایان دهید.
- به محروم ساختن فعالیت فیلمسازی که در گذشته مورد سانسور قرار گرفته اند خاتمه دهید و از محروم کردن فیلمسازان از تولید فیلم به عنوان تنبیه (غالباً به دلیل دیدگاه‌های انتقادی و حتی واقع‌گرایانه خود نسبت به تحولات جامعه) خودداری کنید.
- آزار و اذیت و ارباب فیلمسازی که در جشنواره‌های فیلم بین‌المللی شرکت می‌کنند را متوقف کنید، و به آنها اجازه بدهید تا در این نوع اجتماعات مشارکت آزاد و بی‌قید و بند داشته باشند.
- مانع فعالیت انجمن‌های مستقل نشوید؛ خانه سینما را بازگشایی کنید و به آن اجازه فعالیت آزادانه بدهید.
- به سانسور موسیقی پایان دهید.
- به آزار و اذیت و محاکمه اهالی موسیقی پایان دهید.
- به تبعیض جنستی علیه خوانندگان و نوازندگان زن خاتمه دهید.

وزارت امور خارجه

- همکاری با سازمان ملل متحد
- همکاری با سازمانهای بین المللی حقوق بشر
- حمایت از حقوق ایرانیانی که تابعیت دوگانه دارند

همکاری با سازمان ملل متحد

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نماینده ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و همچنین سایر بخش های حقوق بشری این سازمان است. ظرف هشت سال گذشته، وزارت امور خارجه ایران نتوانسته همکاری معنی دار و سازنده ای با این مکانیسم های سازمان ملل متحد برقرار کند.

در سال ۱۳۹۰، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یک گزارشگر ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد. به جای پاسخگویی در برابر موارد متعدد نقض حقوق بشر که توسط گزارشگر ویژه، احمد شهید در چهار گزارش مجزا مستند شده است، وزارت امور خارجه ایران اکیدا هرگونه نقض حقوق بشری را در ایران رد کرد. همچنین، این وزارتخانه مکررا تقاضای گزارشگر ویژه برای صدور ویزای ورود به ایران را رد کرده و از همکاری با دفتر وی و یا دادن اجازه ورود به او و یا نمایندگان او خودداری کرده است.

در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۸۸، اولین بررسی دوره ای شورای حقوق بشر از کشور ایران انجام شد و [شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد](#) مجموعا ۱۸۸ توصیه به جمهوری اسلامی ارائه کرد. ایران ۱۲۳ توصیه را به صورت کامل و بخشی از ۳ توصیه را قبول کرد، ۴۶ توصیه را رد کرد و اعلام کرد که ۱۶ توصیه را مورد توجه قرار داده است. اهمیت گزارش بررسی دوره ای به عنوان یک مکانیسم مرکزی شورای حقوق بشر این است که شامل حال کلیه کشورهای عضو میشود و یک مکانیسم حقوق بشری سازمان ملل متحد است که مقامات ایرانی غالبا به عنوان مشروع ترین مکانیسم سازمان ملل متحد از آن یاد می کنند.

با این وجود، ایران هیچ اقدامی برای اجرای هیچیک از ۱۲۶ توصیه ای را که خود در طول بررسی دوره ای پذیرفت انجام نداده است. به علاوه، از سال ۱۳۸۳ تا کنون، به رغم تقاضاهای متعدد سازمان ملل متحد، دولت ایران اجازه ورود به هیچ یک از گزارشگران موضوعی سازمان ملل متحد نداده است.

همچنین، دولت ایران مکرراً توصیه‌هایی را که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارشات سالیانه اش از وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه میکند، و مصوبه های سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران را مورد بی توجهی قرار داده است.

وزارت امور خارجه ایران همچنین به اکثریت ارتباطاتی که از طرف مکانیسم های ویژه سازمان ملل با کشور ایران در خصوص موارد به خصوص حقوق بشر برقرار میشود پاسخ نداده است.

همکاری با سازمانهای بین المللی حقوق بشر

وزارت امور خارجه ایران همچنین به صورت مداوم به ارتباطات سازمانهای بین المللی حقوق بشر پاسخ نداده و به تقاضاهای آنان برای ملاقات و یا برای دیدار از کشور برای انجام تحقیقات واقعی ننهاده است. ایران، در کنار کره شمالی و ترکمنستان، یکی از چند کشور "بسته" است که ظرف ۳۵ سال گذشته به دیدار هیچیک از سازمانهای بین المللی حقوق بشری جواب مثبت نداده است.

حمایت از حقوق ایرانیانی که تابعیت دوگانه دارند

جمهوری اسلامی ایران مرتباً ایرانیانی که تابعیت دو گانه دارند را تحت شرایط بسیار مشکوکی دستگیر می کند. در دهها پرونده اخیر که ایرانیانی با تابعیت دوگانه در ایران دستگیر و یا زندانی شده اند، وزارت امور خارجه با خانواده های متهمین و یا با دیگر کشور متبوع همکاری نکرده است یا به تسهیل ارتباط و تماس آنها با مراجع مربوطه اقدام نکرده است. دولت ایران از ارائه اطلاعات در خصوص شرایط این افراد و یا شرایط پرونده آنها خودداری می کند و در اکثر این پرونده ها، به اعضاء خانواده بازداشت شدگان نیز هیچ اطلاعاتی در خصوص دلایل بازداشت و یا شرایط بازداشت شدگان ارائه نمی شود. مقامات ایران همچنین درخواستهای اطلاعات از دولتهای کشورهاییی که دستگیرشدگان در آن زندگی میکنند را ندیده میگیرند. برای مثال در پرونده تبعه ایرانی آمریکایی امیر حکمتی، خانواده امیر حکمتی به جای اینکه مستقیماً از دولت ایران اطلاعاتی دریافت کنند، در مورد پرونده او از طریق رسانه ها مطلع شدند.

توصیه هایی برای وزارت امور خارجه

- به دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران اجازه دسترسی فوری به ایران بدهید و برای اجرای ماموریت کاری اش با وی به صورت کامل همکاری کنید.
- گامهای مشخصی برای اجرای توصیه های بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸، گزارش های گزارشگران ویژه، گزارش دبیر کل، و قطعنامه های مجمع عمومی بردارید.
- به ارتباطاتی که از طریق رویه های ویژه سازمان ملل متحد ارسال میشود پاسخ معتبر بدهید.
- به سازمان های بین المللی حقوق بشر اجازه بازدید از ایران بدهید، به دیپلمات های ایرانی اجازه دیدار با نمایندگان این سازمان ها بدهید، و مطمئن شوید که توصیه ها و نگرانی های این سازمان ها به مقامات مقتضی ایران ابلاغ شود.
- با خانواده ها و دولت های بازداشت شدگانی که ملیت دوگانه دارند ارتباط مسئولانه برقرار کنید، هر گونه اطلاعات مورد نیاز آنها به منظور پیگیری پرونده های زندانیان را ارائه کنید و حق آنان به حداقل آیین دادرسی را تضمین کنید.

وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات

- محدود کردن دسترسی به اینترنت، سانسور/فیلتر کردن وبسایت‌ها
- محدود کردن سرعت اینترنت
- هک اینترنتی توسط نهادهای وابسته به حکومت
- تحت نظر و مورد هدف قرار دادن شهروندان
- (از طریق شنود خطوط تلفن عادی، شنود خطوط تلفن همراه، خواندن ایمیل شهروندان، و نظارت بر سایر ارتباطات)
- ارسال پارازیت روی برنامه‌های ماهواره ای

محدود کردن دسترسی به اینترنت، سانسور/فیلتر کردن وبسایت‌ها

دولت ایران دسترسی به میلیون‌ها وبسایت را از داخل کشور مسدود میکند. تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی، نمایندگانی از صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات، و وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات [به صورت سیستماتیک](#) دسترسی کاربران ایرانی به وبسایت‌ها و سایر خدمات اینترنتی را بر اساس قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده، که اعلام میدارد در صورتی که وبسایت‌ها حاوی اطلاعات مجرمانه باشند میتوانند فیلتر شوند، محدود می‌کند. تشخیص چنین محتوایی توسط یک کمیته ۱۱ نفره (که شش عضو آن اعضای کابینه رییس جمهور هستند) و توسط قوه قضاییه تحت نظر دادستان کل گردهم می‌آیند تعیین می‌شود.

اما این کمیته در واقع وبسایت‌هایی که ماهیت سیاسی دارند و یا از دولت انتقاد می‌کنند را فیلتر می‌کند. برای مثال، در انتخابات ریاست جمهوری سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲، دولت ایران دسترسی ایرانیان به وبسایت‌های خبری و حاوی اطلاعات و همچنین دسترسی آنان به شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و توییتر را شدیداً محدود کرد. در حالی که مقامات ایرانی آمار رسمی از وبسایت‌های فیلترشده منتشر نمی‌کنند، [چندین مقام ایرانی](#) به میلیون‌ها [وبسایت فیلترشده](#) اشاره کرده‌اند.

آخرین تلاش‌های دولت ایران حول محور ایجاد ["اینترنت ملی"](#) بوده است که تنها به محتوای مورد تایید دولت ایران دسترسی میدهد و شامل کنترل جاسازی شده تمام فعالیتهای آنلاین شامل ایمیل و سایر مکاتبات خصوصی نیز خواهد بود.

محدود سازی سرعت اینترنت

وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات در حال حاضر سرعت دسترسی به اینترنت را از خانه های شهروندان عادی محدود می کند. طبق بخشنامه ای که در سال ۱۳۸۵ به کلیه ارائه کنندگان خدمات اینترنتی در ایران ارسال شد، آنها مجاز به ارائه اینترنت با سرعت بالاتر از ۱۲۸ کیلوبایت نیستند. این بخشنامه تا امروز به قوت خود باقی است و در ایران کاربران خانگی ممکن است حتی با سرعت های پایین تری مانند ۶ کیلوبایت نیز روبرو باشند. با این سرعت پایین، دسترسی به اطلاعات آنلاین و یا سهیم شدن فایل ها اگر غیر ممکن نباشد خیلی مشکل است.

مطابق اندازه گیری نت ایندکس، میانگین سرعت برای کلیه کاربران اینترنت در ایران، شامل کاربران خانگی و تجاری، در شش ماه اول سال ۲۰۱۳ در حدود ۲,۱۷ مگابیت بود، که ایران را از میان ۱۸۴ کشور در رتبه ۱۷۲ قرار میداد. از آنجا که بسیاری از ایرانیان برای اطلاعات و آموزش، دسترسی به اخبار از منابعی بجز رسانه های شدت سانسور شده ایران و ارتباطات، به اینترنت تکیه می کنند، دستور محدودیت سرعت اینترنت دولت باعث ایجاد محدودیت شدید برای دسترسی به اطلاعات شده است. در شهریور ماه ۱۳۹۱، وزیر مخابرات ایران رضا تقی پور به نقش داشتن حکومت در محدود کردن سرعت اینترنت و پهنای باند اعتراف کرد و ادعا کرد که این محدودیت به دلایل امنیتی ایجاد شده است.

هک اینترنتی توسط حکومت

گزارشات متعددی از حملات دی داس (ایجاد سیل ترافیک در یک سایت به نحوی که قادر به ارائه دسترسی آنلاین نباشد) به وبسایتهای منتقد دولت ایران و شواهد قوی از دست داشتن دولت در این حملات وجود دارد. هیچ گونه تحقیقاتی برای این حملات هرگز انجام نشده است. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹، یکی از سرداران سپاه، ابراهیم جباری، تایید کرد که سپاه پاسداران یک ارتش سایبری تاسیس کرده است. در طول چند سال گذشته، ارتش سایبری بارها به حمله دی داس علیه وبسایتهای مختلف پرداخته است، مخصوصا وبسایتهای مخالفان یا افرادی که منتقد دولت ایران هستند، و به صورت فعال حسابهای ایمیل، فیس بوک، و توییتر دانشجویان و فعالان را برای دسترسی به اطلاعات شخصی آنان هک کرده است و این همه بدون دلیل مناسب و یا حکم قضایی صورت گرفته است.^۵

تحت نظر و مورد هدف قرار دادن شهروندان

(شوند خطوط تلفن، تحت نظر گرفتن تلفن های همراه، ایمیل ها، و سایر ارتباط الکترونیکی)

شنود ارتباطات در ایران گسترده و به طور اخص روی تحت نظر قراردادن و آزار شهروندانی که از دولت انتقاد می کنند متمرکز است. دولت ایران مرتبا بدون مجوز قضایی تلفن های همراه و خطوط تلفن را شنود می کند تا شهروندان را تحت نظر بگیرد. فعالان مدنی و سیاسی گفته اند که علاوه بر خطوط تلفن خودشان، خطوط تلفن خانواده های آنان نیز دائما مورد شنود قرار میگیرد؛ نمایندگان وزارتخانه های ارتباطات و اطلاعات به چندین نفر از آنان مستقیما اطلاع داده اند که تلفن آنان مورد شنود قرار گرفته است.^۶

همچنین، وزارت ارتباطات با وزارت اطلاعات در استفاده از فن آوری تعقیب برای تحت نظر گرفتن جغرافیایی فعالان و معترضان سیاسی همکاری میکند و به تلاشهای حکومت برای آزار و یا بازداشت این افراد کمک میکند.^۷ وزارت ارتباطات همچنین با دستور وزارت اطلاعات، از ابزار شناسایی صدا برای مورد هدف قرار دادن فعالان و معترضان سیاسی استفاده می کند.^۸

۵ کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران چندین مورد از این دست را مستند کرده و با چندین قربانی این حملات که به دلایل امنیتی درخواست ناشناس ماندن کرده اند مصاحبه کرده است.

۶ از مصاحبه های کمپین با فعالان در ایران که بنا به دلایل امنیتی تقاضا کرده اند ناشناس باقی بمانند.

۷ برای مثال، زندانی سیاسی عیسی سحرخیز در سال ۱۳۸۸ پس از اینکه تلفن همراه او مورد شنود قرار گرفت دستگیر شد.

۸ مصاحبه کمپین با یک منبع که از خرید فن آوری مربوطه توسط دولت ایران بعد از انتخابات ۱۳۸۸ آگاه است.

ایران همچنین در نقض مستقیم قانون اساسی ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضاء کنندگان آن است، به تحت نظر گرفتن وبلاگ نویس‌ها و دستگیری و زندانی کردن آنها برای استفاده از حق آزادی بیان خویش ادامه میدهد.^۹

ارسال پرازیت روی برنامه های ماهواره ای

وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات به شدت با فن آوری ماهواره مقابله می کند. نیروی انتظامی ایران مرتباً به منازل خصوصی حمله میکند تا سخت افزارهای تلویزیون‌های ماهواره ای را جمع آوری و منهدم کند. همچنین بنابر گزارش‌های متعدد ادعا می‌شود که سازمانهای نظامی مشغول عملیات بسیار وسیع ایجاد پرازیت برای تلویزیونهای ماهواره ای شده اند تا از دسترسی به برنامه های ماهواره‌ای که از شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور مخابره می‌شوند و همچنین سایر برنامه های ماهواره ای جلوگیری کنند.

در حالیکه چندین مقام ایرانی، از جمله یک وزیر ارتباطات سابق نسبت به خطراتی که امواج خطرناک پرازیت ماهواره ای می‌توانند برای سلامتی افراد داشته باشند هشدار داده اند، هیچ سازمانی در ایران تا کنون مسئولیت این اقدامات را نپذیرفته است. در تاریخ ۱۳ مرداد ماه سال ۹۱، در خصوص پذیرفتن غیر مستقیم ارسال امواج پرازیت، رضا تقی پور، [وزیر وقت ارتباطات](#) به خبرگزاری مجلس شورای اسلامی گفت که ارسال پرازیتها هیچ ارتباطی با وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات ندارد و وزارتخانه متبوع وی در تلاش است تا کشف کند که منبع این پرازیتها چیستند. اما رییس کمیسیون بهداشت مجلس حسینعلی شهریار در مرداد ۱۳۹۱ گفت که وزارت اطلاعات و اعضاء مجلس همگی در خصوص منبع مخابره پرازیت مطلع هستند اما نمیخواهند که آن را اعلام کنند.

معصومه ابتکار، رییس کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران، مکرراً نگرانی خود را نسبت به اثرات امواج پرازیت روی سلامتی شهروندان ابراز کرده است. گزارشاتمی وجود دارند که ادعا میکنند که امواجی که برای ایجاد پرازیت به کار می روند به صورت فیزیکی برای سلامتی افراد خطرناک هستند. [برخی گزارشات](#) ادعا می کنند که میزان سرطان و نازایی ممکن است در مناطقی که دستگاههای پرازیت انداز وجود دارند بالاتر باشد. به [گزارش خبر آنلاین](#)، در خردادماه ۱۳۹۲، معصومه ابتکار گفت: "به عنوان یک متخصص ایمونولوژی و محقق می‌گویم که سر منشا بسیاری از عوارض و بیماری‌های بدن می‌تواند این امواج باشد." تا این زمان، هنوز هیچ تحقیقی برای آثار منفی ارسال پرازیت روی سلامتی شهروندان صورت نگرفته است.

توصیه هایی برای وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات

- از اینکه کمیته فیلترینگ از هرگونه تاثیر سیاسی، تجاری، و یا سایر تاثیرات غیر قانونی بری است حصول اطمینان کنید.
- توصیه‌های [گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد](#) در خصوص آزادی بیان را مطابق گزارش اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ وی اجرا کنید.
- یک فهرست عمومی از وبسایت های فیلترشده همراه با توضیح و توجیه دلایل فیلترینگ هر وبسایت را منتشر کنید و همچنین مکانیسم‌های فعالی برای اینکه افراد بتوانند با کمیته مربوطه ارتباط و نسبت به رفع فیلتر اقدام کنند ایجاد کنید یا مکانیسم‌های موجود احتمالی را تقویت کنید.
- از اینکه کمیته فیلترینگ فقط محتوای مجرمانه را سانسور میکند و از فیلترینگ برای ابزاری برای خاموش کردن مخالفان سیاسی و یا محدود کردن دسترسی به اینترنت برای آموزش استفاده نمیکند حصول اطمینان کنید.
- به نقض آزادیهای بیان که توسط قانون اساسی ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضاء کنندگان آن است تصریح شده و در این وزارتخانه اعمال می‌شود، خاتمه دهید.

۹ به گزارش [خبرنگاران بدون مرز](#)، ۲۰ وبلاگ نویس در سال ۲۰۱۲ در ایران زندانی شدند و یک نفر در بازداشت کشته شد.

- به زندانی کردن وبلاگنویس ها برای انجام حقشان نسبت به آزادی بیان خاتمه دهید و کلیه وبلاگنویسهایی را که در حال حاضر در زندان به سر می برند آزاد کنید.
- محدودیتهای سرعت اینترنت برای کاربران ایرانی را از میان بردارید. (ایران تنها کشوری در جهان است که از سرعت اینترنت به عنوان ابزاری برای سانسور اینترنت استفاده می کند.)
- در مورد حملات دی داس تحقیق کنید و عاملین و مجریان آن را پاسخگو کنید. این وزارت به دلیل نقشی که به عنوان نگهبان قانون اساسی ایفا میکند، باید با اعمال فراقانونی ارتش سایبری سپاه پاسداران مقابله کند و به آنها خاتمه دهد.
- به تحت نظر گرفتن وسیع ارتباطات شهروندان عادی خاتمه دهید. مقررات شفاف نظارت بر افراد خاص و با دلایل کافی، شامل نیاز به اخذ حکم قضایی برای شنود را تعریف کنید.
- به کلیه فعالیتهای شنود و نظارت بر مکالمات معترضان و خانواده های آنان خاتمه دهید.
- به فرستادن پارازیت روی برنامه های بین المللی ماهواره ای خاتمه دهید و در خصوص تاثیر پارازیت های ماهواره روی سلامتی مردم تحقیق کنید.
- به عنوان رییس شورای امنیت ملی، حسن روحانی می تواند به پلیس دستور دهد تا حمله به منازل و پشت بام های مردم برای جمع آوری و انهدام سخت افزار دریافت برنامه های ماهواره ای خاتمه دهند. وی همچنین می تواند دستور دهد تا مخابره امواج پارازیت روی برنامه های ماهواره ای خاتمه یابد.
- به ارائه انحصاری خدمات اینترنتی خاتمه دهید و خدمات کابلی فیبر به خانه (FTTH) را به منازل ارائه کنید.
- وزیر ارتباطات باید دستور دهد تا طرح "اینترنت ملی" بررسی شود و حصول اطمینان کند که چنین شبکه ای دسترسی ایرانیان به جهان خارج را محدود یا کم نمیکند و یا اطلاعات خصوصی آنان را به خطر نمی اندازد.

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری

- محروم کردن دسترسی دختران به برخی رشته های دانشگاهی
- دانشجویان ستاره دار، محرومیت تحصیلی
- محدودیت فعالیت تشکل های دانشجویی
- دانشجویان زندانی

محروم کردن دسترسی دختران به به برخی رشته های دانشگاهی

وزارت علوم به صورت فزاینده ای دختران دانشجو یا متقاضیان دختر برخی تحصیلات عالی را از تحصیل در برخی رشته ها به صورت اجباری **محروم می کند**. به نوشته خبرگزاری مهر در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ سی و شش دانشگاه پذیرش دختران را در ۷۷ رشته دانشگاهی **محروم کردند**. به علاوه محدودیت هایی **برای تعداد دختران** در ۲۴۱ رشته دیگر در این سال تحصیلی ایجاد کرده اند.

این روند همچنان ادامه دارد: در سال تحصیلی جاری، **دانشگاه صنعتی اصفهان** از پذیرش دانشجویان دختر در هفت رشته تحصیلی خودداری کرده است.

وزارت علوم همچنین مسوول اعمال سهمیه بندی جنسیتی در هنگام پذیرش دانشجویان است و همچنان به سهمیه بندی دانشجویان **پیش از تعیین رشته ادامه می دهد**. در سال ۹۲ در بسیاری از رشته های تحصیلی، سهمیه پسران به مراتب بیشتر از دختران است.

در مجموع، در طی هشت سال گذشته سیاست مداومی برای کاهش تدریجی تحصیل ثبت نام دختران در بسیاری از رشته های دانشگاهی برقرار بوده است که شامل سیاست های سهمیه بندی جنسیتی و محروم کردن دختران دانشجو از تحصیل در برخی رشته های تحصیلی است.

دانشجویان ستاره دار، محرومیت تحصیلی

وزارت علوم طی سالهای گذشته اقدام به تغییر و یا حذف مواد درسی رشته های علوم انسانی و اخراج و محرومیت اساتید مستقل این رشته از ادامه تدریس در تلاش برای پاکسازی دانشگاه ها از [مضامین «غیراسلامی»](#) کرده است.

در تصریح حذف اعضای هیات علمی از سمت های خود به خاطر نقطه نظرات سیاسی شان، کامران دانشجو وزیر علوم در اسفند ماه ۸۸ گفت: «قاطبه دانشگاهیان کشور با مسیر انقلاب همسو هستند و هر کسی نتواند در مسیر نظام حرکت کند بدون تعارف باید از جمع برود... به میزان مورد نیاز افراد دلسوز در کشور داریم که بخواهیم افراد غیرهمسو با نظام را از بدنه خارج کنیم و از این اقدام خود شرمند نخواهیم بود.» او با بیان اینکه «روسای دانشگاهها حق ندارند کسی را در دانشگاه ها جذب کنند که در مسیر التزام عملی به ولایت فقیه و قانون اساسی حرکت نمی کند» افزود: «وزارت علوم هیچ مماشاتی با حزب و گروهی در این زمینه نخواهد داشت و با مبلغین فرهنگ غربی و سلطنت طلبانه در دانشگاه ها برخورد می کند.»

اطلاع ثبت شده نشان می دهد که در طی ۸ سال [گذشته حداقل ۴۵](#) استادبرجسته دانشگاه یا مجبور به [بازنستگی اجباری](#) شده یا از دانشگاه اخراج شده اند.

دانشجویان ستاره دار

در هماهنگی کامل بین وزارت اطلاعات و علوم، دولت ایران طی هشت سال گذشته به صورت نظام مند دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور را به دلیل فعالیت های سیاسی اجتماعی دانشجویان مورد هدف قرار داده است همچنین دانشجویان بهایی را به خاطر باورهای مذهبی آنان از تحصیل محروم کرده است.

صدها دانشجو در جریان چنین روندی طی سالهای گذشته از تحصیل محروم شده اند. در سال ۱۳۸۹، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران سیاهه ای از نام [۲۱۷ دانشجویی](#) که از تحصیل محروم شده اند را در گزارشی گردآوری کرد.

ارقام دقیق و حقیقی دانشجویان از تحصیل محروم شده بسیار بیشتر از این است، چرا که بسیاری از افرادی که از تحصیل محروم شده اند ترجیح می دهند که به دلیل نگرانی و هراس از آزار و اذیت دستگاه های مرتبط یا امیدداشتن برای اینکه با تعهد سپردن برای متوقف کردن فعالیت های سیاسی در دانشگاه چنین محرومیت هایی برداشته شود، در این خصوص ساکت بوده هستند.

در خردادماه ۹۲، سه [تشکل دانشجویی](#) گزارش جامعی از هشت سال سرکوب و محرومیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه ها ارائه کردند. این گزارش که در وب سایت دانشجوییوز قابل دسترس است، تحقیقی از سوی کمیته دانشجویی دفتر تحیکم وحدت و کمپین دفاع از حق تحصیل است ادعا می کند که بیش از یک هزار مورد محرومیت تحصیلی در طی هشت سال گذشته اتفاق افتاده است.

وزارت علوم روش های متعددی را برای [ممنوعیت فعالان دانشجویی](#) از ادامه تحصیل اعمال می کند. برای مثال دخالت در نتایج آزمون دانشجویی که برای مقاطع عالی ثبت نام کرده اند. در چندین مورد، [دانشجویان بهایی](#) که توانسته بودند آزمون ورودی دانشگاه را با موفقیت پشت سر بگذارند بلافاصله پس از اینکه دین آنها مشخص شد، از حضور در دانشگاه رد شدند.

تشکل های دانشجویی

یکی از اولین سیاست‌هایی که توسط وزارت علوم در دور اول محموداحمدی نژاد اعمال شد سرکوب تشکل‌های مستقل دانشجویی به خصوص تشکل فراگیر دانشجویی دفتر تحکیم وحدت بود. فعالیت دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها ممنوع شد و به آنها اجازه داده نشد تا جلسات و یا انتخابات خود را برگزار کنند و یا فعالیتی در دانشگاه‌ها داشته باشند. در این دوره برخی تشکل‌های دانشجویی که به فعالیت‌های خود ادامه دادند مانند انجمن اسلامی دانشگاه فنی امیرکبیر، با بازداشت و زندانی شدن اعضای فعال خود مواجه شدند. به گفته [دفتر تحکیم وحدت](#) بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱، بیش از ۳۲ تن از دانشجویان سازمان‌های ثبت شده ارباب و تهدید و آزار وادیت شدند.

به علاوه صدها تن از دانشجویان تشکل‌های فرهنگی و مراکز هنری طی این سالها به کمیته‌های انضباطی احضار شدند و یا از دانشگاه برای یک یا چندین ترم تحصیلی برای هر گونه فعالیتی که مقامات آنها را تایید نمی کردند، اخراج شدند.

دانشجویان زندانی

بعد از خردادماه سال ۱۳۸۸، بسیاری از زندانیان سیاسی در ایران را دانشجویان تشکیل می دهند. در حال حاضر حداقل ۲۹ دانشجویی به خاطر فعالیت‌های سیاسی مسالمت آمیز در دانشگاه در زندان به سر می برند.

در بین دهها تن از فعالان دانشجویی بازداشت شده که هم اکنون در داخل زندان هستند، دانشجویانی چون مجیدری، ضیانوی، بهاره هدایت و مجید توکلی را می توان نام برد که به احکام زندانی از چهار تا ده سال محکوم شده اند و دربرخی موارد حتی یک روز مرخصی هم به آنها نداده شده علیرغم اینکه بر اساس قوانین ایران [دارای شرایط استفاده از مرخصی](#) هستند.

توصیه و پیشنهادات برای وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری:

- همه سیاست‌های تبعیض آمیز که پذیرش دانشجویان دختر را در دانشگاه تحت تاثیر قرار داده ملغی کنید و اجازه بدهید دختران برای همه رشته‌های تحصیلی دانشگاهی ثبت نام کنند.
- اعضای هیات علمی که به دلایل ایدئولوژیک از کار برکنار شدند را دوباره به کار بگیرید و به تفتیش عقاید اساتید دانشگاه و دانشجویان پایان دهید.
- دانشجویان محروم از تحصیل به دانشگاه‌ها بازگردانید و به دانشجویان بهایی برای تحصیل در دانشگاه اجازه دهید.
- برای تشکیل تجمعات مسالمت آمیز در دانشگاه‌ها مجوز صادر کنید و آنها را به رسمیت بشناسید و همچنین شرایط و تضمین‌های لازم برای فعالیت مجدد تشکل‌های دانشجویی همچون دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها را فراهم کنید.
- به آزار وادیت و ارباب و تهدید دانشجویان به دلیل فعالیت‌های سیاسی شان پایان دهید.
- همه دانشجویانی که به خاطر فعالیت‌های دانشجویی خود زندانی شده اند را آزاد کنید و به بازداشت مکرر فعالان دانشجویی به خاطر فعالیت‌های مسالمت آمیز آنها پایان دهید.

وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی

- از بین بردن اتحادیه‌های کارگری، تعقیب قضایی اعضای و رهبران اتحادیه‌های کارگری به اتهامات امنیتی
- کودکان کار (سازمان بهزیستی)
- تعریف اشتغال

از بین بردن اتحادیه‌های کارگری، تعقیب قضایی اعضای و رهبران اتحادیه‌های کارگری به اتهامات امنیتی

وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران عملاً کلیه اتحادیه‌های مستقل کارگری و اتحادیه‌های صنفی ایران را از بین برده است و درهمانگی و یا اعمال نفوذ شدید دستگاه‌های امنیتی، اکثر رهبران و بسیار از اعضای این تشکلات را مورد تعقیب قضایی قرار داده و زندانی کرده و برخی از آنها با احکام سنگین زندان مواجه شده‌اند. (این افراد معمولاً تحت اتهامات امنیت ملی محاکمه می‌شوند.) به همین دلیل دولت ایران در نقض مستقیم تضمین‌هایی است که قانون اساسی ایران و اصل ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران عضو آن است، در خصوص آزادی‌های انجمن و تجمع تصریح کرده‌اند.^{۱۰}

تشکل‌های صنفی بزرگ، شامل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، اتحادیه کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، و کانون صنفی معلمان توسط وزارت کار تعطیل شدند.

همچنین، در کابینه‌های گذشته، قانونی تصویب شد که کارگاه‌های کوچک و تولیدی‌هایی که کمتر از پنج کارگر دارند را از شمول قوانین کار معاف میکند. این قانون مستقیماً باعث شد که میلیون‌ها کارگر یکشنبه از دسترسی به بیمه، بازنشستگی، و حمایت قانونی محروم شوند.^{۱۱}

۱۰ برای مثال، انجمن روزنامه‌نگاران ایران بزرگترین تشکل صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران بود که بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷ فعال بود. انجمن روزنامه‌نگاران ایران وقتی که وزارت کار تحت نظر محمود احمدی‌نژاد با صدور حکمی هیئت مدیره انتخابی انجمن را رد کرد، منحل شد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به دادگاه عدالت اداری شکایت کرد، اما دادگاه عدالت اداری به دفاع این سازمان از هیئت مدیره خود وقتی نهاد و به نفع وزارت کار رای داد. در خرداد ماه ۱۳۸۷، وزارت کار با ارسال نامه‌ای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران را منحل کرد و چند ماه بعد با دستور دادستان وقت سعید مرتضوی، دفاتر اداری انجمن را پلمپ کرد.

۱۱ مصاحبه کمپین با منصور اسانلو، رئیس سابق هیئت مدیره اتحادیه شرکت واحد اتوبوسرانی

کودکان کار (سازمان بهزیستی)

طبق قوانین ایران، استخدام کودکان زیر ۱۵ سال غیر قانونی است. اما هزینه های رو به افزایش تولید و نرخ بالای تورم باعث شده تا صاحبان صنایع کوچک برای اینکه هزینه کمتری صرف حقوق کارگران خود کنند، به استخدام کودکان دست بزنند. با وجود اینکه قوانین ایران فقط تحت شرایط خاصی اجازه استخدام کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال را مجاز می‌شمارد، این قوانین به صورت گسترده ای ندیده گرفته می‌شوند. مشکلات اقتصادی و هزینه های روزافزون تحصیل باعث شده است که تعداد بسیار زیادی از کودکان وارد نیروی کار ایران شوند. کودکان کارگر اکثراً در کارگاههایی با زیر ۱۰ کارگر مشغول به کارند که بسیاری از آنها پوشش قوانین کار ندارند و تحت هیچ سازمانی نظارت نمی‌شوند. هیچ سازمان دولتی برای کودکان کار مسئولیت قبول نمی‌کند و وزارت کار آنها را کارگر محسوب نمی‌کند و این کودکان کار را آسیب پذیر و فاقد حمایت دولتی می‌کند.

تعریف اشتغال

تعریف فعلی اشتغال شامل افرادی است که در هر ماه فقط چند ساعت کار میکنند. با محاسبه این افراد به عنوان "شاغل"، آنان از شمول مزایای بیکاری و بهزیستی محروم میشوند و در نتیجه در فقر شدید زندگی می‌کنند.

توصیه هایی برای وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی

- اجازه دهید تا اتحادیه ها و سازمان های آزاد و مستقل کارگری تشکیل شده و به فعالیت بپردازند، و به آنان اجازه دهید تا از حقوق قانونی خود برای انجام فعالیت‌های صنفی استفاده کرده از اعضاء خود دفاع کنند.
- انحلال انجمن روزنامه نگاران ایران را ملغی کنید و به روزنامه نگاران اجازه دهید تا مجدداً بتوانند انجمن صنفی خود را داشته باشند.
- به اذیت و آزار اعضا و رهبران اتحادیه‌های کارگری خاتمه دهید.
- به استفاده نابجا و گسترده اتهامات امنیتی برای دور زدن تضمین های قانونی اساسی برای انجمن ها پایان دهید.
- قانون معافیت کارگاه ها و تولیدی های کوچک از قوانین کار و قوانینی که اشتغال را تعریف میکنند بررسی کنید.
- فعالان کارگری زندانی را آزاد کنید.
- بیمه، بازنشستگی و حمایت قانونی از کارگرانی که تحت تاثیر این قوانین قرار میگیرند را به آنها بازگردانید.
- قوانینی که استخدام کودکان زیر سن ۱۸ سال را ممنوع می‌کنند را اجرایی کنید.
- استخدام کودکان را تحت نظارت بگیرید تا موارد تخلف را شناسایی و گزارش کنید.

وزارت کشور

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- حق اجتماعات مسالمت آمیز
- سازمانهای غیر دولتی
- قتل کولبران در نقاط مرزی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

وزیر کشور، اختیار کلیه امور مربوط به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی را دارا می باشد. وزیر کشور نقش مهمی در تعیین سیاست ها و جهت گیری نیروی انتظامی دارد.^{۱۲}

جامعه حقوق بشری جهانی مکرراً نیروی پلیس ایران را به دلیل سرکوب خشونت آمیز اعتراضات مسالمت آمیز خیابانی، بدرفتاری شدید و آزار بازداشت شدگانی که در اختیار نیروی انتظامی قرار گرفته اند، به خصوص در جریان حوادث بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸، و حملات منظم به منازل شخصی شهروندان برای کشف و توقیف دیش ها و گیرنده های ماهواره ای محکوم کرده است. همچنین نیروی انتظامی بازداشتگاههای خود را دارد که تحت نظارت سازمان زندانهای ایران نبوده و بنابراین تحت قوانین رفتاری تعیین شده قرار ندارند تا بتوان آنان را پاسخگو کرد.

پلیس مرتباً شهروندان را به صورت غیرقانونی و یا در بازداشتگاههای فاقد نظارت بازداشت می کند و غالباً با آنان با بدرفتاری جسمی و روانی برخورد میکند و در برخی موارد باعث مرگ بازداشت شدگان شده است.^{۱۳} برای مثال، در سال ۱۳۹۱ پلیس سایبری (فتا) نیروی انتظامی و بلاگ نویسی به نام ستار بهشتی را دستگیر کرد و جسد بی جان وی را کمتر از یک هفته بعد به خانواده اش تحویل داد. [شواهدی بسیار قوی](#) وجود

^{۱۲} [در شهریور سال ۶۷](#) آیت الله خمینی رهبر ایران، در پاسخ به وزیر وقت کشور در خصوص مسوولیت وزارت کشور با نیروی انتظامی می گوید: « تمامی مسائل مربوط به کمیته انقلاب اسلامی و ژاندارمری و شهربانی در چهارچوب قانون با وزارت کشور است؛ ولی در زمینه های دفاع مقدس اختیار با جانشینی فرماندهی کل قوا است. در موارد تردید، جانشین فرمانده کل قوا و وزیر کشور هماهنگ خواهند بود.»

^{۱۳} پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، چندین تن از بازداشت شدگانی که به بازداشت گاه کهریزک در جنوب تهران منتقل شدند به دلیل ضرب و شتم مأمورین و نگهداری در شرایط طاقت فرسا، جان خود را از دست دادند. این بازداشتگاه پس از انتشار خبرهایی از وضعیت اسف بار و غیرانسانی آن به دستور آیت الله خامنه ای بسته شد. فرمانده نیروی انتظامی خود نسبت به نقض گسترده حقوق شهروندان در این بازداشت درجریان [انتشار گزارش](#) این نیرو از آنچه در کهریزک رخ داد می نویسد: «سهل انگاری و تخلف تعدادی از مسئولان، مأموران و کارکنان بازداشتگاه کهریزک و رده های نظارتی آن محرز می باشد» و به همین خاطر ضمن تشکیل پرونده و ارسال آن به مراجع قضایی برای این افراد اقدامات تنبیهی درون سازمانی در نظر گرفته شده است.»

دارد که نشان می‌دهد ماموران پلیس حین بازجویی ستار بهشتی در یک بازداشتگاه پلیس در رباط کریم، وی را شکنجه کرده و به قتل رساندند.^{۱۴}

«گشت ارشاد»، که به منظور نظارت بر رعایت پوشش اسلامی تعیین شده توسط حکومت ایران و همچنین نظارت بر رفتار زنان و مردان در ایران تشکیل شده است، هزاران ایرانی را به دلیل ظاهر و رفتار اجتماعی شان احضار و جریمه کرده است و صدها نفر را بازداشت کرده است. همانطور که رییس جمهور جدید ایران طی فعالیتهای انتخاباتی اش گفت، اعمال گشت ارشاد ناقض حقوق هزاران شهروند ایرانی است. در خیلی از موارد، این اعضای نیروی انتظامی مردم را در نقض حقوق اولیه بشری مورد آزار و اذیت جسمی قرار داده اند.

حق اجتماعات مسالمت آمیز

حق تشکیل تجمعات مسالمت آمیز در قانون اساسی ایران و همچنین در ماده ۲۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که دولت ایران از اعضای آن است، تصریح شده است. طبق [اصل ۲۷ قانون اساسی ایران](#)، «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

وزارت کشور موظف به صدور مجوز برای گردهمایی های مسالمت آمیز است. اما ظرف چند سال گذشته، این وزارتخانه مرتباً از صدور مجوز برای گردهمایی های مسالمت آمیز به سازمانهای جامعه مدنی، سازمانی کارگری، و گروههای سیاسی ممانعت کرده است. در برخی موارد، این وزارتخانه مجوز گردهمایی را صادر کرده است اما از تضمین امنیت گردهمایی شانه خالی کرده است و این گردهمایی ها متعاقباً با حمله افراد لباس شخصی که گفته میشود بخشی از دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی هستند مورد حمله قرار گرفته اند.

سازمان های غیر دولتی (NGO ها)

مقررات تاسیس و فعالیت سازمانهای غیر دولتی (NGO ها) در سال ۱۳۸۴ تحت ریاست جمهوری محمد خاتمی تهیه شد. [طبق این مقررات](#)، سازمانهای غیر دولتی باید مجوز فعالیت خود را از معاونت امور اجتماعی وزارت کشور تهیه کنند.

در آن زمان بیش از ۲۰۰۰ سازمان غیر دولتی در وزارت کشور نام نویسی کردند. اما [گزارشهای اخیر](#) نشان میدهد که در حال حاضر کمتر از ۳۰۰ سازمان غیر دولتی در سراسر کشور فعال هستند. کلیه سازمانهای سرشناس و مستقل غیر دولتی، شامل کانون مدافعان حقوق بشر، انجمن دفاع از حقوق زندانیان، رها، کنشگران داوطلب، کمیته گزارشگران حقوق بشر، و انجمن دفاع از آزادی بیان، همگی تعطیل شده اند و اعضای آنها مورد تعقیب قضایی قرار گرفته و زندانی شده اند. سازمانهای حقوق بشری به صورت اخص آماج حمله قرار گرفته اند. در سالهای اخیر، وزارت کشور هیچگونه مجوزی برای سازمانهای مستقل دفاع از حقوق مردم صادر نکرده است.

قتل کولبران توسط ماموران مرزی

در سال ۱۳۸۶، مقامات ایران آغاز به پیاده سازی یک برنامه امنیت مرزها کردند که هدف آن در ظاهر جلوگیری از رد شدن تروریست ها و کالاهای قاچاق از مرزهای ایران بود. اما در ماههای بین فروردین تا اسفند سال ۱۳۹۰، حداقل ۷۴ شهروند غیرمسلح و کم درآمد ایرانی که به عنوان کولبران مرزی کالا کار میکردند در مناطق مرزی کشته شده و حداقل ۷۶ نفر دیگر عمدتاً توسط ماموران امنیتی مجروح شدند. این استفاده بیش از حد از زور کشنده نتیجه طرح انسداد مرزهاست که علی عبداللهی معاونت امور امنیتی وزارت کشور آن را «طرح جامع امنیت مرزی» خوانده است.

همچنین، وجود مستمر مین های کاشته شده در منطقه مرزی شمال غربی ایران، که از جنگ هشت ساله ایران و عراق به جا مانده اند و هنوز مین روبی نشده اند، خطری دائم و حاضر برای جان کولبران و سکنه این منطقه محسوب میشود.

^{۱۴} [در جریان قتل ستار بهشتی](#)، وب لاگ نویسی که پس از چند روز بازداشت در بازداشتگاه شهر رباط کریم استان تهران جان خود را از دست داد، فرمانده نیروی انتظامی، سردار احمدی مقدم خود تصریح کرد که این بازداشتگاه قانونی نبوده است. براساس گزارش خیرانلین فرمانده پلیس ایران گفت: «بازداشتگاه یا «تحت نظرگاه» رباط کریم، بازداشتگاه مصوب نبوده که این مسئله قابل رسیدگی است.»

توصیه‌هایی برای وزارت کشور

- برای تجمعات قانونی مجوزهای لازم را صادر و امنیت این اجتماعات را تضمین کنید.
- به سازمان‌های غیر دولتی مستقل و جدید اجازه تأسیس دهید، و به آنهایی که در حال حاضر وجود دارند اجازه تداوم فعالیت بدهید.
- حقوق مردم را برای سازماندهی، تجمع و مشارکت در جامعه مدنی، چنانچه در قانون اساسی ایران محافظت شده است، رعایت کنید.
- آزار و اذیت فعالان حقوق بشر محلی که موارد نقض حقوق بشر توسط ماموران امنیتی را افشاگری کرده‌اند را متوقف کنید.
- به استفاده از زور مرگبار علیه کولبرهای غیر مسلح در مناطق مرزی پایان دهید.
- در مناطق مرزی عملیات مین روبی انجام دهید.
- به اقدامات سیستماتیک نیروی انتظامی برای حمله به افراد در اعتراضات مسالمت آمیز پایان دهید.
- بازداشتگاه‌های غیرقانونی و خارج از نظارت دستگاه‌های ناظر مانند سازمان زندانهای قوه قضاییه را شناسایی و تعطیل کنید.
- قانون حقوق شهروندی و آیین نامه رفتار با بازداشت شدگان از زمان دستگیری تا تحویل متهمان به مراجع قضایی و نظارت بر حسن انجام آن را اجرایی کنید.
- به فرهنگ جافتاده مصونیت از مجازات که از آن دسته از ماموران نیروی انتظامی که به شکنجه و قتل و سایر موارد نقض حقوق شهروندان دست میزنند محافظت می‌کند، پایان دهید.
- در مورد قتل ستار بهشتی تحقیق کنید و افراد مسئول را مورد تعقیب قضایی قرار دهید.
- به آزار و اذیت شهروندان ایرانی توسط «گشت ارشاد» پایان دهید و از تجاوز این گروه به منازل و حریم خصوصی شهروندان کشور و از نقض دایم حقوق بشر ایرانیان توسط این گروه جلوگیری کنید.



وزارت آموزش و پرورش

- تبعیض علیه آموزش زبان مادری

تبعیض علیه آموزش زبان مادری

اصل ۱۵ قانون اساسی ایران اعلام می‌دارد: ” زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.“

این اصل قانون اساسی ایران صریحا حقوق گروه های مختلف قومی ایران را برای آموزش و یادگیری زبان مادری تضمین میکند. به علاوه، یک مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۸، اعلام میکند که یک درس انتخابی دو واحدی به زبان محلی در دانشگاههای منطقه ای ایران عرضه شود.

اما هیچ گامی در راستای اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی و یا این مصوبه برداشته نشده است، با وجود اینکه طبق اظهارات [وزیر آموزش و پرورش](#)، ۷۰ درصد دانش آموزان ایرانی که در دبستان های ایران ثبت نام کرده اند دوزبانه هستند.

سیاستهای مناطق کردنشین بیانگر این نکته هستند. در سال ۱۳۹۱، یک بخشنامه داخلی محرمانه از وزارت آموزش و پرورش توسط چند وبسایت کردستان افشا و منتشر شد که نشان میداد وزارت آموزش و پرورش دستور ممنوعیت آموزش زبانهای محلی در چندین شهر کردستان را صادر کرده است. سازمان ثبت احوال از ثبت نامهای کردی برای نوزادان خوددار میکند و اداره نظارت بر اماکن عمومی در نیروی انتظامی ایران مرتبا واحدهای تجاری را که نام کردی روی خود گذاشته باشند تعطیل و پلمپ میکند.^{۱۵}

توصیه هایی برای وزارت آموزش و پرورش

به ممنوعیت آموزش زبانهای محلی خاتمه دهید. به اصل ۱۵ قانون اساسی ایران که متضمن حقوق کلیه اقوام، از کرد تا آذری، بلوچی و عرب برای تکلم زبان محلی خود است وفادار باشید.

۱۵ در یک مورد اخیر، یک [فروشگاه در استان فارس](#) به دلیل داشتن ”نام غیر ایرانی و کردی“ وادار به تغییر نام کردی خود شد.

وزارت نفت

– وجود عوامل سرطان زا در سوخت تولید شده در ایران

وجود عوامل سرطان زا در سوخت تولید شده در ایران

آلودگی هوا در تهران به سطوح کشنده ای رسیده است. طبق گفته حسن آقاجانی، مشاور وزیر بهداشت و درمان ایران، آلودگی هوا باعث ۴,۴۶۰ مرگ در تهران در سال ۱۳۹۱ بود. تولید بنزین با کیفیت پایین که عوامل سرطان زای زیادی دارد و شهروندان را با خطرات تنفسی و قلبی زیادی روبرو میکند، یک عامل اصلی این مشکل است. یوسف رشیدی، مدیر عامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران یادآور شد که سطح آلاینده های سرطان زا در بنزین تولید شده ایران بیش از دو برابر میزان توصیه شده در استانداردهای بین المللی است. در بیاناتی که در [اژانس فرانس پرس](#) منتشر شد، “بر اساس استاندارد یورو ۴، میزان عوامل سرطان زا در بنزین باید کمتر از یک درصد باشد اما سطح بنزین تولید داخلی ما بین دو و سه درصد است.”

توصیه هایی برای وزارت نفت

– وزارت نفت باید تولید بنزین با کیفیت پائین را متوقف کند و در [تسریع تبدیل آن](#) به تولید بنزین درجه بالاتر که با استاندارد یورو ۴ و ۵ سازگار باشد کوشش کند تا به طور کامل حدود ۶۰ میلیون لیتر بنزینی که کشور روزانه تولید می کند را پوشش دهد. علاوه بر این، کابینه روحانی باید قانونی برای کاهش یارانه سوخت، که مشوق مصرف بی رویه بنزین و مسبب سطح خطرناک آلودگی هوا در شهرهای بزرگ ایران، که بسیاری از آنها به تعیین نهادهای سازمان ملل متحد بالاترین رتبه های آلودگی در جهان را دارا می باشند، پیشنهاد بدهد.

عمل به وعده‌ها

یک نقشه راه حقوق بشری
برای رئیس جمهوری ایران

«عدالت معنایش این است که در یک جامعه هر کس که می‌خواهد حرف بزند غیر متعصب [با کمال صراحت و قاطعیت]، لکنت نداشته باشد، قشنگ بیاید نقد کند، انتقاد کند، حرف خودش را بزند.»

–حسن روحانی، رئیس جمهور ایران

در جریان فعالیتهای انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲، رئیس جمهور ایران، حسن روحانی قول داد تا «حقوق مردم» را مطابق قانون اساسی ایران رعایت کند. میلیونها نفر از حامیان او خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی، از جمله، برداشتن محدودیت‌های آزادی بیان و انجمنی، آزادی زندانیان سیاسی از زندانهای ایران و همچنین حصر خانگی منتقدان حکومتی شدند.

در این گزارش، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران به نقض مداوم حقوق بشر در ۹ وزارتخانه تحت کنترل مستقیم رئیس جمهور می‌پردازد و به وی توصیه‌هایی را ارائه می‌کند که با اجرای آنها وی می‌تواند به این موارد نقض خاتمه دهد. در حالیکه این گزارش تنها بخشی از موارد نقض حقوق بشر که دستگاه‌های دولتی به صورت مستقیم در آن دخیل هستند ارائه می‌کند، کمپین آن را به عنوان نقطه شروعی برای حسن روحانی در جهت عمل به وعده‌هایی که در طول کمپین انتخاباتی خود داد و در راستای برقرار کردن مجدد قانون در ایران ارائه می‌کند.